

بررسی علل ناترازی بانک‌ها و پیامدهای تورمی آن و اقدامات اصلاحی مناسب برون رفت از آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

کد مقاله: ۳۹۷۶۸

سید عباس حسینی^{۱*}، زهرا سادات حسینی^۲

چکیده

هدف: تورم بالا و متوسط رشد اقتصادی پایین کشورو البته متوسط نرخ رشد منفی تشکیل سرمایه سالانه کشور از یک طرف واز طرف دیگر در تقابلی با تأثیردوسویه ای که بصورت همزاد با معضل ناترازی بانکها در کشور ایران بوجود آورده است مشکلات عدیده ای را در اقتصاد کلان و برای وضعیت معیشت مردم ایران رقم زده است که در این پژوهش هدف اصلی تمرکز بر بررسی راهکارهای اصلاحی جهت حل مشکلات نظام بانکی یعنی ناترازی بانکها بعنوان سرمنشا تأثیرگذار و البته تأثیر پذیر در رابطه رشد اقتصادی منفی و تورم بالا با ناترازی بانکها می باشد است که در ابتدا با بررسی کلی مشکلات نظام بانکی براساس مطالعات انجام شده در بانک مرکزی ایران و اطلاعات ارائه شده، تصویری کلی از مشکلات آن ارائه شد.

روش: درپژوهش حاضر، با مطالعه عمیق کتابخانه ای منابع داخلی و بین المللی، فهرست اولیه از راهکارهای بازسازی مالی نظام بانکی با لحاظ نمودن تصویری از مشکلات نظام مالی بانکها با توجه به اطلاعات ارائه شده توسط کارشناسان خبره؛ سایتها و ژورنالهای داخلی و اساتید دانشگاهی ارائه شد و در گام بعد با روش دلفی دو مرحله‌ای، توافق راهکارهای اجرایی حاصل شد؛ که در آن نیمی از خبرگان بانکی مدرک دکتری مرتبط و نیمی دیگر، مدرک کارشناسی ارشد مرتبط دارند و میانگین سابقه اجرایی ایشان در سطوح نظام بانکی ۲۴ سال است.

نتایج: بر این اساس، فهرست نهایی راهکارها استخراج شد و در شش طبقه بندی کلی قرار گرفت؛ و در این میان به مهمترین راهکارهای اجرایی و بعضاً اصلاحی دست یافتیم؛ که در قالب سرفصل های زیر طبقه بندی شده اند: الزام بانکها به لحاظ رعایت شاخص کفایت سرمایه، اصلاح نظام کارمزدها و تعرفه های کارمزدی در شبکه بانکی، افزایش استقلال بانک مرکزی و لزوم بازنگری در نحوه تعامل دولت‌های مختلف با شبکه بانکی، افزایش نظارت توسط بانک مرکزی در هدایت هدفمند شبکه بانکی، تبدیل دارائی‌های سمی غیرمولد بانکها به دارائی‌های مولد و جبران ناترازی، اجرای برنامه انحلال یا ادغام بانکهای فاقد عملکرد مالی مناسب با تأثیر منفی بر شبکه بانکی کشور، به بیان ساده راه حل نه در لایه مالکیتی که در لایه عملکردی وجود داشت.

واژگان کلیدی: ناترازی بانک‌ها، پیامد تورم، اصلاحات بانکی، اصلاح نظام کارمزدها، ادغام بانک

۱- دانشجوی دکتری تخصصی حسابداری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران (نویسنده مسئول)
abbashas1365@gmail.com

۲- گروه حسابداری، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران

کشور ما از گذشته با دو چالش مواجه بود که یکی تورم بالا و دو رقیمی است و دیگری رشد پایین و نوسانی. در دهه ۹۰ به طور متوسط رشد اقتصادی کشور نزدیک به یک درصد بوده و متوسط نرخ رشد سالانه تشکیل سرمایه، متأسفانه منفی بوده است. مجموعه این مؤلفه‌هایی که شاخصه‌های مهم حوزه کلان اقتصادی ما هستند، طی دهه گذشته به گونه‌ای بوده که رهبر انقلاب از دهه گذشته به عنوان دهه عقب‌ماندگی و تعطیلی اقتصادی یاد کردند تا زمانی که برای این دو مسئله، یعنی تورم بالا و رشد پایین و نوسانی اقتصادی در سطح حاکمیت نتوانیم فکری کنیم و همه ظرفیت‌های کشور را برای حل این دو مسئله بسیج نکنیم، نمی‌توانیم شاهد تحقق شعارهای اقتصادی و بهبود وضعیت معیشت مردم باشیم؛ به همین دلیل است که رهبر انقلاب امسال را با این عنوان نام‌گذاری کردند. این شاخص‌ها کاملاً کمی و قابل سنجش هستند و دولت و مجموعه حاکمیت و سایر اجزایی که می‌توانند در بهبود این دو مؤلفه اقتصادی اثرگذار باشند خود را باید مکلف بدانند که همه ظرفیت‌ها و امکانات خود را برای اینکه هم به کاهش تورم و هم به افزایش رشد اقتصادی نائل شویم بسیج کنند که می‌بایست هر دوی این‌ها به صورت پایدار اتفاق بیفتد؛ یعنی هم شاهد کاهش پایدار تورم باشیم و هم رشد پایدار اقتصادی را رقم بزنیم. مقوله تورم در کشور ما یک پدیده تاریخی و ساختاری شده است به این معنا که طی چند دهه شیوه حکمرانی ما به گونه‌ای بوده است که خروجی آن در عرصه اقتصادی بروز تورم‌های بالا شده است؛ البته طی چهار-پنج سال اخیر میزان تورم ما وارد کانال‌های جدیدی شده است. بر اساس مطالعات دقیق انجام شده به طور خلاصه می‌توان گفت مقوله تورم بالا و مزمن در کشور ما به دلیل پنج ناترازی در اقتصاد کشور شکل گرفته که این ناترازی‌ها عبارت‌اند از: ناترازی شبکه بانکی کشور^۱، ناترازی بودجه دولت^۲، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی^۳، ناترازی حوزه انرژی^۴ و ناترازی در حوزه ارز^۵. توضیح اینکه به دلیل وجود این پنج دسته ناترازی و برای رفع چالش‌های ناشی از این ناترازی‌ها دولت‌های مختلف از طریق دست اندازی به منابع بانک‌ها یعنی فشار به شبکه بانکی و خلق پول بیشتر و یا حتی دست کردن در جیب بانک مرکزی یعنی استفاده از پایه پولی و انتشار اسکناس از سوی بانک مرکزی، تلاش کرده‌اند این ناترازی‌ها سرپوش گذاشته و آن‌ها را به تعویق بیندازند (سبحانیان، ۱۴۰۲).

پدیده ناترازی بانک‌ها به موضوع اقتصادی و مالی آن‌ها اشاره دارد. به این معنا که اگر کیفیت دارایی‌های بانک‌ها مناسب نباشد، بانک‌ها با مشکل ناترازی مواجه شده و این امر مشکلات اساسی را با افزایش تورم برای اقتصاد کشور به همراه خواهد داشت عبارتی دیگر در حالت کلی منظور از ناترازی در یک اقتصاد آن است که عوامل اقتصادی شامل اشخاص حقیقی، بنگاه‌ها، نهادهای مالی و دولت برای دوره‌ای قابل توجه تعهداتی فراتر از رشد حقیقی اقتصاد و فراتر از رشد منابع حقیقی خود ایجاد کنند. زمانی که بانک‌ها در مدیریت دارایی و بدهی دچار ناترازی می‌شوند به این معنا است که رشد دارایی‌های آن‌ها کمتر از نرخ سود سپرده‌ها است که در نظام پرداختی اصطلاحاً از آن تحت عنوان نرخ رشد بدهی‌ها^۶ نام می‌برند. وقتی درآمدها کمتر از نرخ رشد بدهی‌ها باشد، بانک‌ها در حقیقت رفته رفته دچار مشکل ناتوانی یا تنگنای مالی در بازپرداخت سپرده‌های سرمایه‌گذار می‌شود که در نهایت هم چنانچه به شکل حادی درآید، قطعاً سپرده‌گذاران برای بازپس‌گیری سپرده خود به بانک هجوم می‌برند و از آنجا که معمولاً بانک‌ها تسهیلات را به صورت بلندمدت پرداخت می‌کند و سپرده‌ها هم عندالمطالبه است، مشکل در این زمان پیش می‌آید که ریسک سپرده‌گذاری می‌تواند به کل شبکه بانکی سرایت کند سپرده‌گذاران چنانچه به طور ناگهانی سپرده خود را مطالبه کنند، بانک‌های مورد اشاره وجه نقد یا منابع در اختیار ندارد که این کار را عملی سازند زیرا که حسب وظیفه خود باید این منابع را در امر اعطای تسهیلات مطرح می‌کردند و تفاوت سررسیدی این سپرده‌ها که در مطالبه وجود دارد و تسهیلات که معمولاً بلند مدت و حداکثر ۵ ساله در نظر گرفته می‌شود، وجود ندارد، بر همین اساس ترس در بین سپرده‌گذاران دو چندان می‌شود و منجر به این خواهد شد که مسائل اجتماعی و اقتصادی پی در پی برای کشور پیش آید و هر یک از بانک‌ها یکی پس از دیگری مورد هجوم سپرده‌گذاران برای دریافت سپرده‌های خود قرار گیرد چندانکه عامل بر ناترازی بانک‌ها موثر واقع می‌شود. اول اینکه حسب قوانین بودجه‌ای که قانونگذاران کشور در سنوات گذشته تحت عنوان تسهیلات تبصره‌ای به بانک‌ها شارژ کردند، منجر به این می‌شود که بانک‌ها تسهیلات را به صورت ارزان قیمت به یکسری فعالان اقتصادی بدهند و از آنجا که این فعالان اقتصادی یا به درستی یا بر اساس شرایط اقتصادی نتوانند آن را بازپرداخت کنند، بنابراین در نهایت ورودی وجه نقد بانک‌ها متوقف خواهد شد. در این شرایط به شناسایی درآمد بابت تسهیلات اقدام می‌شود که بر حسب گذر زمان درآمد تسهیلاتی مورد شناسایی قرار می‌گیرد و ابتدا سهم دولت را تحت عنوان مالیات، سهم سود سپرده‌گذاران را در مجامع سالیانه و چنانچه سهامدار دولت بوده، حق او را باید پرداخت کند خروجی‌های بانک به صورت نقد است و قاعدتاً در مواعد زمانی که طبق قانون تاکید شده باید پرداخت شود، در صورتی که بابت درآمدهای مورد شناسایی این بانک به دلیل پول اعتباری که در بالا اشاره شده، وجه نقد نداشته باشد، بانک دچار کم توانی در بازپرداخت یا کمبود وجه نقد می‌شود که موضوع فوق به دلیل مشکلی که توضیح داده شد، مسائلی را ایجاد می‌کند که منجر به تشدید تنگنای مالی خواهد شد و نهایتاً به همان ناترازی می‌رسد. این امر از نظر مقام ناظر و مجلس به عنوان قانون‌گذار طلب

1.the unbalance of the countrys banking network
2.Government budget unbalance
3.unbalance of pension funds
4.the unbalance of the energy sector
5.currency unbalance
6.Debt growth rate

می‌کند که برای اصلاح این شرایط قوانینی را پشت سر بگذارند یا مقرراتی را پی‌ریزی کند تا مشکلات بانک‌ها بیش از این نشود. شکی وجود ندارد که باید از طریق قانون جدید هم از سوی قانون بانک مرکزی و هم اصلاح قانون بانکداری به بانک‌ها کمک شود. از طرف دیگر نیاز است تا بار تامین مالی کسری بودجه دولت‌ها توسط بانک مرکزی کنار گذاشته شود و در حقیقت دست دولت از جیب بانک‌ها و مردم بیرون آید، زیرا شبکه بانکی بیش از این کشش ندارد که تامین مالی مربوط به کسری دولت درباره هزینه‌های جاری را انجام دهد شبکه بانکی مطالباتی از دولت دارد که سنواتی شده و میانگین آن هم در حال نزدیک شدن به دو رقم است. به این معنا؛ میانگین مطالبات بانک‌ها از دولت ۹ ساله شده و این عدم بازپرداخت تنگنای مالی را تشدید می‌کند (فرزانی، ۱۴۰۰). براین اساس اعسار نظام بانکی در دو طبقه اعسار ترانزنامه ای و اعسار نقدینگی طبقه بندی میشود. درباره اعسار ترانزنامه ای، عامل اصلی شکل گیری آن شکاف بزرگ بین ارزش دارایی و بدهی بانکی است و اعسار نقدینگی به معنای ناتوانی بانک در پرداخت سپرده ها در اثر هجوم سپرده گذاران است (بت شکن، ۱۳۹۷). براساس گزارش بانک مرکزی (۱۳۹۸) در اسفند ۱۳۹۷ از خلاصه دارایی ها و بدهی های بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی، در سمت دارایی ها، مشاهده می شود که بدهی بخش دولتی با رشد ۱۵ درصدی نسبت به اسفند ۱۳۹۶، به رقم ۲۳۶۷/۳ هزار میلیارد ریال بالغ شده است و سایر دارایی ها که شامل دارایی های ثابت نیز می شود با رشد ۳۳ درصدی به ۹۳۸۱/۹ هزار میلیارد رسیده که نشان دهنده افزایش شایان توجه دارایی های غیر مولد است. در سمت چپ ترانزنامه بانکها و موسسات اعتباری غیر بانکی نیز بدهی به بانک مرکزی با رشد ۴/۷ درصدی نسبت به سال گذشته به ۱۳۸۱/۷ هزار میلیارد ریال بالغ شده است؛ این در حالی است که حساب سرمایه با رشد منفی ۳۱/۷ درصد به ۳۷۰/۶ هزار میلیارد ریال رسیده که نشان از زیان انباشته رو به افزایش این بانک ها است. با بررسی دقیق تر خلاصه دارایی ها و بدهی های کل بانکهای غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی در پایان سال ۱۳۹۷ مشخص می شود بدهی به بانک مرکزی با رشد ۸/۹ درصد به ۸۷۴/۸ هزار میلیارد ریال رسیده و در دوره مشابه حساب سرمایه آنها با رشد ۱۹/۲ درصدی به ۱۳۹ هزار میلیارد ریال افزایش یافته است؛ اگرچه در دوره مشابه قبل با کاهش شدید ۵۴/۷- روبه رو بوده است (جدول ۱).

جدول (۱) خلاصه دارایی ها و بدهی های بانک ها و موسسات اعتباری غیر بانکی براساس آخرین گزارش بانک مرکزی در اسفند ۱۳۹۷

		مانده در پایان			درصد تغییر
		اسفند ۹۵	اسفند ۹۶	اسفند ۹۷	
دارایی ها	دارایی های خارجی	۲۴۲۹/۴	۳۲۵۱/۴	۴۵۲۰/۱	۹۷ به ۹۶
	اسکناس و مسکوک	۹۱/۷	۹۱/۸	۸۸/۴	۹۶ به ۹۷
	سپرده نزد بانک مرکزی	۱۳۱۳/۳	۱۶۰۵/۳	۲۰۲۱	۳۹
	بدهی بخش دولتی	۱۶۲۱/۴	۲۰۵۸/۱	۲۳۶۷/۳	-۳/۷
	بدهی بخش غیر دولتی	۹۱۷۷/۲	۱۰۹۱۸/۵	۱۳۱۲۶/۱	۲۵/۹
	سایر دارایی ها	۵۸۱۶/۷	۷۰۵۵/۵	۹۳۸۱/۹	۲۲/۲
	جمع	۲۰۴۴۹/۷	۲۴۹۸۰/۶	۳۱۵۰۴/۸	۲۵/۹
	اقلام زیر خط	۳۲۶۳/۴	۴۲۵۴/۴	۴۷۱۹/۸	۲۰/۲
	جمع کل	۲۳۷۱۳/۱	۲۹۲۳۵	۳۶۲۲۴/۶	۱۹
	سپرده های بخش غیر دولتی	۱۲۱۴۰/۶	۱۴۸۷۵/۱	۱۸۲۸۱/۴	۳۳
بدهی ها	بدهی به بانک مرکزی	۹۹۶/۹	۱۳۲۰/۳	۱۳۸۱/۷	۲۶/۱
	وام ها و سپرده های ارزی	۲۴۰/۹	۲۷۲/۳	۲۴۹/۷	۲۲/۲
	سایر بدهی ها	۴۶۰۲/۲	۵۴۳۲/۳	۷۵۳۷/۴	۳۰/۴
	جمع	۲۰۴۴۹/۷	۲۴۹۸۰/۶	۳۱۵۰۴/۸	۱۰/۹
	اقلام زیر خط	۳۲۶۳/۴	۴۲۵۴/۴	۴۷۱۹/۸	۲۳/۹
	جمع کل	۲۳۷۱۳/۱	۲۹۲۳۵	۳۶۲۲۴/۶	۲۳/۳

جدول (۲) خلاصه دارایی ها و بدهی های کل بانک های غیر دولتی و موسسات اعتباری غیر بانکی براساس آخرین گزارش بانک مرکزی در اسفند ۱۳۹۷

		مانده در پایان			درصد تغییر
		اسفند ۹۵	اسفند ۹۶	اسفند ۹۷	
دارایی ها	دارایی های خارجی	۴۲/۹	۳۷/۱	۲۸۳۳/۳	۹۷ به ۹۶
	اسکناس و مسکوک	-۴/۷	۱/۱	۵۰/۶	۹۶ به ۹۷
	سپرده نزد بانک مرکزی	۲۵/۶	۱۸/۳	۱۴۴۳/۴	۱۴۴۶/۷
	بدهی بخش دولتی	۱۶/۶	۲۸/۸	۱۰۹۰/۸	۵۲/۵
					۹۷۱/۴
					۷۲۶/۸

۵۷۰۹/۸	۶۷۸۹/۷	۸۲۲۶	۱۸/۹	۲۱/۲	بدهی بخش غیردولتی
--------	--------	------	------	------	-------------------

از طرفی با بررسی بدهی شبکه بانکی به بانک مرکزی در مرداد (۱۴۰۱) نسبت به پایان سال (۱۴۰۰) ۱۶٫۸ درصد رشد کرده است درحالی‌که رشد بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی در مرداد سال (۱۴۰۰) نسبت به اسفند سال (۱۳۹۹) فقط ۱٫۱ درصد اعلام شده است. ناترازی بانک‌ها بعنوان یکی از علت‌های اصلی رشد پایه پولی و بالا رفتن نقدینگی تا آنجا مهم است که علی‌رغم کاهش بهای تمام‌شده پول در اثر تثبیت نرخ سود علی‌الحساب بانک‌ها، اتفاقی دیگر ورق را برگردانده است به‌نحوی که گزارش بانک مرکزی طی سال (۱۴۰۱) از متغیرهای کلان پولی؛ نشان می‌دهد که سهم پول از کل نقدینگی از ۲۰٫۴ درصد در اسفندماه سال (۱۴۰۰)، به ۲۲٫۵ درصد رسیده و در مقابل از سهم شبه پول، شامل سپرده‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری بانک‌ها کاسته شده، این نسبت از ۷۹٫۶ درصد در پایان سال (۱۴۰۰) به ۷۷٫۵ درصد در پایان مردادماه (۱۴۰۱) رسیده است استمرار این روند، نشان از خروج پول قابل تبدیل به وام از شبکه بانکی دارد؛ به‌نحوی که با پایین نگه داشته شدن نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری نزد بانک‌ها، انگیزه مردم برای سپرده کردن پس‌اندازشان در قالب سپرده‌های قرض‌الحسنه و سرمایه‌گذاری، کاسته شده و آنها ترجیح می‌دهند، پس‌اندازشان را در قالب سپرده‌های دیداری یا همان حساب‌های جاری نگه دارند و در موعد مناسب آن را تبدیل به کالا کنند. با توجه به مطالب فوق الذکر آنجا که تاکنون به صورت تجربی مطالعه ای درباره بررسی اثرات تورمی ناترازی بانک‌ها و اقدامات اصلاحی و مناسب برون رفت از آن انجام نشده است همین امر اهمیت این پژوهش را چند برابر کرده است. در این پژوهش محقق در صدد آن هستند تا موضوع فوق الذکر را در کشور ایران بررسی نمایند تا از این طریق ادبیات پژوهشی در خصوص اقدامات اصلاحی ناترازی بانک‌ها را گسترش دهد. نتایج این پژوهش به عنوان یک دستاورد علمی می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون‌گذاران حوزه بازار سرمایه و نظام بانکی و همچنین سیاست‌گذاران کلان اقتصادی جهت راهبری مدیران نظام مالی و اقتصادی کشور و بازنگری در برنامه های بانکداری مفید واقع قرار گرفته شود. از طرفی دیگر این پژوهش می‌تواند ایده های جدیدی برای انجام پژوهش های جدید در حوزه اصلاحات نظام بانکی و اقتصادی پیشنهاد نماید از اینرو آنچه بعنوان هدف اصلی در این پژوهش متصور است، بررسی راهکارهای اجرایی برای حل معضلات نظام بانکی با مطمع نظر قرار دادن راهکارهای اصلاحی جهت حذف ناترازی و اثرات تورمی آن در نظام بانکداری در قالب بازسازی مالی بانک‌ها در ایران است. بعبارتی هدف این پژوهش بررسی راهکارهای اجرایی برای برون رفت نظام بانکی از وضعیت فعلی و بازسازی مالی آن است.

۲- مبانی نظری

علل بحران های بانکی مدت ها مورد بحث بوده است اولین مجموعه از نظریه ها در مورد بحران های بانکداری به‌عنوان هراس سپرده‌گذاران است که با برداشت‌های خارج از چارچوب منطقی سپرده‌گذار در بانک‌ها مشخص می‌شود (فریدمن و شوارتز ۱۹۶۳). فشار بی مورد بر موقعیت نقدینگی بانک نظیر هجوم و امتناع سپرده‌گذاران از ابقای سپرده گذاری می‌تواند باعث عدم نقدشوندگی در بانک هایی شود که روند طبیعی را طی می‌کردند. وقتی چنین فشارهای نقدینگی شدیدی؛ بانک را مجبور به فروش دارایی ها، احتمالاً به قیمت های فروش با ضرر می‌کند ممکن است بانک را ورشکست کند. در چنین حالتی اگر از این موضوع جلوگیری نشود می‌تواند شکست سیستماتیک بانک را رقم بزند که از طریق سیاست گذاری و یا سرایت هراس، اثرات خارجی منفی را تولید می‌کند. عملکردهای بانکی ممکن است به تغییرات در اقتصاد واقعی مرتبط باشد یا نباشد. به عنوان مثال، در مدل های سنتی بانک توسط براینانت^۲ (۱۹۸۰) و دیاموند و دیبویگ^۳ (۱۹۸۳)، بانک ها مجری پیشگویی های خود تحقق بخشی در محیطی هستند که نیازهای مصرف وجود دارد و انحلال سرمایه گذاری های ناشناخته و بلندمدت پرهزینه است. عملیات بانکی زمانی اتفاق می‌افتد که سپرده‌گذاران نگران برداشت دیگر سپرده‌گذاران می‌شوند. چنین مدل هایی بانک ها را ذاتاً بی ثبات می‌دانند زیرا آنها دارایی‌های بلندمدت و غیر نقدشونده را با بدهی قابل مطالبه در قالب سپرده‌هایی که در اولویت قرار می‌گیرند تأمین مالی می‌کنند. در این مدل ها، برداشت سپرده ارتباطی با تغییرات واقعی اقتصادی در آن ندارد عملکرد بانکی نیز می‌تواند با برداشت سپرده‌گذاران وجوه در پیش بینی رکود اقتصادی که ارزش دارایی های بانک ها را کاهش داده و احتمال آن را که افزایش می‌دهد بانک ها قادر به انجام تعهدات خود نخواهند بود را افزایش می‌دهد (جاگاناتان ۱۹۸۸ و آلن و گیل ۱۹۹۸). چنین بحران هایی به ویژه در صورت وجود اطلاعات نامتقارن در بین سپرده‌گذاران در مورد مشکلات احتمالی بانک محتمل است. (الماس و راجان، ۲۰۰۵). هراس سپرده‌گذاران زمانی که منجر به سرایت، همراه با نقدینگی می‌شود، بیشترین آسیب را به همراه دارد فشارهایی که با ایجاد ورشکستگی بانک ها در سیستم بانکی گسترش می‌یابد عوامل خارج از شبکه برای سرایت به کل سیستم بانکی می‌تواند مستقیم از پیوندهای قراردادی بین بانک ها، مانند وام های بین بانکی، یا از طریق غیر مستقیم پیوندهایی، مانند مواجهه ترانزانه با شوک های رایج اتفاق بیافتد. (بهتاجاریا و گیل ۱۹۸۷، آلن و گیل ۲۰۰۶). مشکلی که در تئوری های مبتنی بر

1. Friedman and Schwartz
2. Bryant
3. Diamond and Deboig
4. Jagannathan 1988 and Allen and Gill 1998
5. Almas and Rajan, 2005
6. Bhattacharya and Gill 1987, Allen and Gill 2000).

وحشت سپرده گذاران وجود دارد این است که بانک هایی که بصورت سنتی اداره می شود از زمان شروع بیمه سپرده به ندرت بوده است. مجموعه دومی از نظریه ها، بحران های بانکی را ناشی از زیان های گسترده سمت دارایی ترازنامه بانک ها؛ که بانک ها را ورشکست می کند؛ می دانند ضرر و زیان عموماً به دنبال دارد. بدتر شدن طولانی مدت کیفیت دارایی ها و ناشی از شوک های نامطلوب اقتصاد کلان، شکست بازار، دخالت دولت، یا تقلب از جمله مواردی هستند که عموماً ضرر زیان به دنبال دارند اکثر این نظریه ها بر اساس تغییرات در مبانی اقتصادی و در نظر گرفتن بحران های بانکی به عنوان یک پیامد طبیعی چرخه های تجاری، با رشد اعتبار به صورت دوره ای می باشد (مینسکی ۱۹۸۲، گورتون ۱۹۸۸). اعتبار زمانی که اقتصاد در حال شکوفایی است، به سرعت رشد می کند، زیرا سرمایه گذاران نسبت به آن خوش بین تر می شوند از سویی دیگر وقتی شرایط اقتصادی کند می شود، استانداردهای آینده و وام دهی بدتر می شود و رفتن به سمت کیفیت باعث سقوط اعتبار می شود. این چرخه ای بودن سیستم مالی باعث شکننده و آسیب پذیرتر شدن در برابر بحران می شود. (تمین، ۱۹۷۶). (ویکر، ۱۹۸۰، ۱۹۹۶) و (کالومیریس و میسون ۲۰۰۳) شواهدی را در حمایت از این نظریه ها گزارش می دهند که علت ورشکستگی و رکود بزرگ بانک های ایالات متحده عمدتاً به جای هراس یا وحشت ناشی از اصول اقتصادی بود سرایت ناشی از شکست تئوری های جدیدتر، بحران های بانکی را نتیجه حباب های قیمتی دارایی هایی می دانند که بر اساس اصول اقتصادی نیستند. چنین تئوری هایی نیاز به یک جزء از رفتار غیر منطقی یا عدم تقارن اطلاعاتی منشاء بحرانهای بانکی اقتصاد کلان در سیاست های کلان ناپایدار، جهانی نهفته است (لیندگرن و همکاران، ۱۹۹۶). شرایط مالی و ناهمبستگی نرخ ارز در کنار سیاست های پولی و مالی بیش از حد انبساطی موجب رونق وام دهی، انباشت بیش از حد بدهی و سرمایه گذاری بیش از حد در دارایی های واقعی شده؛ و باعث بدتر شدن کیفیت دارایی های بانک شده است. در واقع، راینهارت و روگوف (۲۰۰۹) دریافتند که بحران های بانکی معمولاً با اعتبار پیش می روند. چنین شوک های کلان اقتصادی به ویژه رونق و حباب قیمت دارایی. می تواند شدید باشد مشکلات بانکی در بازارهای نوظهور که تمایل به استقراض کوتاه مدت در خارج از کشور دارند نظیر بدهی های ارز خارجی ریسک اعتباری غیرمستقیم ناشی از ارز یا سررسید عدم تطابق در ترازنامه شرکت ها به راحتی می تواند به ضرر بانک های زیر تبدیل شود کاهش نرخ ارز یا افزایش نرخ بهره جهانی و تغییرات بزرگ در شرایط تجارت به ظرفیت بنگاه های صادرکننده برای پرداخت بدهی های خود لطمه می زند. یک مثال خوب، بحران بدهی آمریکای لاتین در دهه ۱۹۸۰ است که به دنبال دوره ای اتفاق می افتد که طی آن بانک های غربی مقادیر زیادی دلار به آمریکای لاتین وام داده بودند که این موضوع علی رغم ایجاد فرصت های رشد امیدوارکننده با ایجاد کسری حساب جاری بزرگ ناشی از ورود زیاد وجوه خارجی منجر به افزایش شدید نرخ واقعی ارز در کشورهای وام گیرنده شد و بسیاری از وام گیرندگان را مجبور به نکول آن کرده در نهایت این بحران با کاهش ۲۵۰ میلیارد دلار آمریکا، از مجموع بدهی معوقه تقریباً ۸۰۰ میلیارد دلار آمریکا پایان یافت بحران های بانکی اغلب به دنبال سقوط قیمت دارایی ها پس از آنچه که حباب به نظر می رسد رخ می دهد چنین تغییرات ناگهانی قیمت ها را نمی توان بر اساس استاندارد توضیح داد نظریه نئوکلاسیک یا فرضیه بازارهای کارآمد آنها به یک ماده تشکیل دهنده از رفتار غیرمنطقی، عدم تقارن اطلاعات، شکست بازار یا مداخله دولت نیاز دارند. (برونر مایر، ۲۰۰۱) یک عامل مهم محرک حباب های قیمت دارایی، میزان نقدینگی پول یا اعتبار ارائه شده توسط بانک مرکزی است (کیندلبرگر، ۱۹۷۸). در واقع، بحران های بانکی اغلب پس از دوره های بالا تورم یا نرخ بهره پایین رخ می دهند (اسمیت، ۲۰۰۲) دریافت که کاهش تورم، در عین حال کاهش بحران های بانکی باعث می شود که بانک ها ذخایر نقدی مازادی را به قیمت سرمایه گذاری در دارایی هایی با بازده بالاتر در خود نگهداری کنند (الماس و راجان، ۲۰۰۶) نشان می دهد که این مشکل از طریق مداخله پولی قابل کاهش است اگر بانک مرکزی با پول اوراق بخرد، به بانک ها اجازه می دهد تامین مالی پروژه های بلندمدت بیشتری نسبت به آنچه در غیر این صورت ممکن بود را انجام دهد (الماس و راجان، ۲۰۰۹) شوک های نقدینگی بانک ها را مجبور به فروش دارایی های غیر نقدشونده برای بازپرداخت وجوه کوتاه مدت می کند که منجر به افزایش شدید نرخ بهره و در نتیجه کاهش ارزش خالص بانک، در نهایت منجر به فرار بانکی می شود. با کاهش تصاعدی نرخ بهره، مقامات می توانند برای جبران آن کنند مشوق بانک ها برای اعطای وام های غیر نقدشونده بیشتر شوند (دی نیکولا و همکاران، ۲۰۱۰). به طور مشابه، دل آرچیچا و همکاران (۲۰۱۰) استدلال می کنند که نرخ های بهره پایین ناشی از سیاست پولی سست بانک ها را وادار می کند تا ریسک بیشتری را بپذیرند، زیرا بانک ها به سمت دارایی های با بازده بالاتر روی می آورند و اهرم بانکی افزایش می یابد در نتیجه شکنندگی بانک را افزایش می دهد. (دیموند و فرهی و تی رول، ۲۰۱۱). همچنین راجان (۲۰۰۹) نقش کمک های مالی و خطرات اخلاقی جمعی را بررسی

1. Minsky 1982, Gorton 1988
2. Tamin, 1976
3. Wicker, 1980, 1996
4. Kalomiris and Mason 2003
5. Lindgren et al. 1996
6. Reinhardt and Rogoff (2009)
7. Brunner Mayer, 2001
8. Kindleberger, 1978
9. Smith, 2002
10. Almas and Rajan, 2006
11. Almas and Rajan, (2009)
12. Di Nicolau et al. 2010)
13. Del Arriquia et al. (2010)
14. Dimond, Farhi and T. Roll, (2011)
15. Rajan (2009)

کرده است. تصمیمات نقدینگی بانک ها زمانی که بانک ها انتظار یک واکنش قوی سیاستی پولی پولی را دارند اگر یک شوک منفی بزرگ رخ دهد، مقامات تمایل به گرفتن نقدینگی بیش از حد دارند خطر این رفتار، به نوبه خود، احتمال اینکه بانک مرکزی واقعاً چنین خواهد شد را افزایش خواهد داد و با ارائه نقدینگی لازم به سیستم بانکی به شوک پاسخ می دهد تحریف ناشی از مداخله دولت، از جمله مداخله در تخصیص یا قیمت گذاری اعتبار، آزادسازی سریع مالی و سیاست های نظارتی یا نظارتی ضعیف، اغلب مقصر بحران های بانکی بوده اند (راچت، ۲۰۰۸ و کاپریو و هونوهان، ۲۰۱۰).^۱ به عنوان مثال، بیمه سپرده ارزان قیمت، با حذف نظم و انضباط سپرده گذار، عامل مهمی در وادار کردن بانک ها به ریسک های بیش از حد بوده است. (کالومیریس ۲۰۱۰)^۲؛ و خطرات اخلاقی ناشی از کمک های مالی بانکی، اغلب بذرهای بعدی را کاشته است به طور مشابه، سیاست های یارانه ای دولت اغلب باعث ایجاد املاک و مستغلات شده است و از آن سو منجر به بحران های بانکی می شود. (هرین و واجر^۳)، بحران وام مسکن در ایالات متحده سال ۲۰۰۷ نیز از سیاست فعال دولت در جهت افزایش مالکیت خانه و بحران املاک و مستغلات و بانکداری در ژاپن در دهه ۱۹۹۰ است که پس از یک دهه ای که طی آن قیمت املاک و مستغلات ده برابر افزایش یافت نمونه های دیگری از تسهیل آزادسازی مالی و بحران بانکی ناشی از مقررات زدایی پیشروی رایج برای وام دادن بوده است (دریس و پازارباسی اوغلو، ۱۹۹۸).^۴ میزان اعتبار ارائه شده توسط سیستم مالی یک عامل تعیین کننده مهم قیمت دارایی است (کامینسکی و راینهارت، ۱۹۹۹).^۵ آزادسازی مالی داخلی با افزایش حجم اعتبار می تواند منجر به کاهش کیفیت سرمایه گذاری بانک هایی میشود که کیفیت سرمایه گذاری را رعایت نمی کنند و قیمت دارایی ها را حبابی می کنند (آلن و گیل، ۲۰۰۰). بحران های بانکی را به عنوان موقعیت هایی تعریف می کند که در آن بخش بزرگی از سرمایه سیستم بانکداری تخلیه شده است، در حالی که (کالومیریس، ۲۰۱۰) بحران های بانکی را به عنوان "هراس یا موج ورشکستگی بانک می داند" تعریف گسترده تر از بحران بانکی یک وضعیت است که در آن ورشکستگی یا ورشکستگی واقعی یا بالقوه بانک بانک ها را وادار به تعلیق داخلی یعنی قابلیت تبدیل بدهی های آنها می کند یا اینکه دولت را مجبور به مداخله با تمديد می کند اگرچه بحران مالی جهانی اخیر دارای عناصر جدیدی است، اما اشتراکات زیادی با بحران های قبلی در اقتصادهای بازار پیشرفته و نوظهور دارد که به نظر می رسد توافق کلی است که نوآوری مالی در قالب اوراق بهادار دارایی، سیاست های دولت برای افزایش مالکیت خانه، عدم تعادل جهانی، سیاست پولی انبساطی و نظارت ضعیف نظارتی نقش مهمی را ایفا کردند (ابستفلد و روگوف، ۲۰۰۹).^۶ چرخه اهرمی که با افزایش ارزش خانه منجر به افزایش بدهی می شود (آدریان و شین^۷)، رونق قیمت دارایی ها بیشتر به دلیل شیوه های ضعیف وام دهی تقویت می شود که باعث انفجار اعتبار وام مسکن فرعی شد (دل آریسیا و همکاران، ۲۰۰۸).^۸ این مقاله خلاصه ای از علل و پیامدهای ناترازی و بحران های بانکی را ارائه می کند و بر سیاست های اقتصاد کلان ناپایدار، شکست های بازار، انحرافات نظارتی و دخالت دولت به عنوان دلایل اصلی و همچنین نیاز به مداخله گسترده دولت برای حل مؤثر آنها تأکید می کند. همچنین ویژگی های بحران های بانکی، مانند چرخه های رونق و رکود در قیمت اعتبار و دارایی ها را مورد بحث قرار می دهد و با پیشنهادهایی برای افزایش ثبات مالی به پایان می رسد.

۳- مطالعات بین المللی

یکی از مهم ترین بحران های مالی ایجاد شده در سال های اخیر که مشکلات اقتصادی چشمگیری به همراه داشت، بحران مالی سال ۲۰۰۸ در آمریکا بود که بخش بسیاری از بانک ها و مؤسسه های مالی بیشتر کشورها را با مشکل روبه رو کرد. با توجه به مشکلات فعلی، چالش های موجود و ریسک های نظام بانکی از بحران های بانکی در آینده پیشگیری می شود (بنگسون، ۲۰۱۳).^۹ اصلاحات ساختاری عمیق و بازسازی مالی بلند مدت برای نظام بانکی ایران اجتناب ناپذیر است. دنبال کردن اصلاحات ساختاری عمیق با توجه به پیچیدگی ها، ابعاد و ماهیت مشکلات نظام بانکی، چالش برانگیز است. تدوین و پیاده سازی راه حلی پایدار نیازمند بهبودهای نهادی شایان توجه شامل نظارت و اعمال مقررات بانکی مناسب تر، برنامه ای جامع برای بازبینی کیفیت دارایی های بانک ها و تزریق سرمایه کلان به آنها است (مزارعی، ۲۰۱۹). از جمله روش ها و ابزارهای جدید و کارا برای بازسازی و تصفیه نهادهای اعتباری که الزامات گزیر^{۱۰} اتحادیه اروپا آن را مطرح کرده، فروش بیزینس^{۱۱}، بانک موقت^{۱۲}، بانک بد^{۱۳} و نجات مالی از درون^{۱۴} است. اثر بخشی هر کدام از این روش ها بر بحران های سیستمی نظام بانکی ارزیابی شد و بر این اساس به نظر می رسد کاراترین ابزار، بانک بد و نامناسب ترین ابزار، تصفیه بانک باشد (کوزینسکا، ۲۰۱۸)

1. Rachet, 2008 and Caprio and Honohan, 2010)
2. Kalomiris 2010)
3. Herrin and Wachter
4. Driss and Pazarbasioğlu, 1998
5. Kaminsky and Reinhart, 1999
6. Obstfeld and Rogoff, 2009
7. Adrian and Shane
8. Bengson, 2013).
9. Resolution
10. sale of business
11. Bridge bank
12. Bad bank
13. Bail_in

نقشه راه تجدید ساختار و استراتژی حل و فصل (گزیر) مشکلات بانک ها بررسی شد. اقدامات ضروری در حوزه تسهیلات کمک اضطراری نقدینگی، تشخیص داده و راه حل های بانکی، قانون گذاری و مقررات، ذخیره نقدینگی، حوزه نظارت و ثبات مالی بررسی شد. در قسمت تشخیص و راه حل بانکی، به اجرای فوری برنامه ای بازبینی برای کیفیت دارایی که باید حسابرس های مستقل خارجی آن را برای ۳۲ بانک ایرانی اجرا کنند، در جایگاه پیش نیاز هر گونه اقدام اصلاحی در نظام بانکی تأکید شده است. (صندوق بین المللی پول^۱، ۲۰۱۸). علاوه بر عوامل مرتبط با اقتصاد کلان، برخی از ویژگی های خاص هر بانک که ممکن است به مأموریت آن بانک مربوط باشد، در میزان و نحوه اعتبار دهی، اخذ وثیقه و در نهایت شکل گرفتن یا شکل نگرفتن بحران بانکی موثر است (ژوان^۲، ۲۰۱۸). پس از بررسی بحران اعتباری سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ و بررسی حقوق سهام داران در برابر مقررات احتیاطی و مدیریت بحران و بررسی رژیم گریز مخصوص تدوین شده در قانون بانک داری انگلستان، ضرورت حضور نهادهای ناظر بر مقررات گذاری و تعریف ابزار برای بازسازی ساختاری عملیات بانک شناسایی شد (کرن^۳، ۲۰۰۹).

چندین روش که طی سالها شرکت بیمه سپرده های فدرال^۴ برای اجرای برنامه گزیر از آنها استفاده می کرده است، بررسی شد که مهم ترین آنها عبارتند از: بانک موقت، معاملات کمک به بانک باز، طرح ادغام داوطلبانه، طرح ضمانت نقدینگی موقت و سرقفی نظارتی. بانک موقت هنگامی تشکیل می شود که دولت به طور موقت امتیاز تملک بانکی ورشکسته را در اختیار می گیرد، آن را تحت مالکیت شرکت بیمه سپرده فدرال بازگشایی می کند و مدیریت آن را تا زمان بر چیده شدن یا فروش به بخش خصوصی، بر عهده می گیرد. معاملات کمک به بانک باز^۵ اجازه می دهد تا بانک در حال ورشکستگی تا قبل از فروش، تعطیل نشود و خریدار بخش خصوصی از شرکت بیمه سپرده ها کمک مالی دریافت کند. این روش اثرات زیان بار کمتری در مقایسه با تعطیل کردن بانک دارد. به موجب طرح ادغام داوطلبانه^۶، پیشنهاد مشخص شرکت بیمه سپرده ها آن است که هزینه تحمیلی بر بانک های پس انداز در حال ورشکستگی (ما به التفاوت بهره پرداختی به سپرده ها در مقایسه با بهره دریافتی از وام ها و دارایی های دیگر) را پوشش دهد تا خریداران در مقابل هر نوع زیان اضافی ناشی از تورم در نرخ های بهره در امان بمانند. طرح ضمانت نقدینگی موقت^۷، طرحی دو قسمتی برای بانک ها و مؤسسات پس انداز و شرکت های تابع آنها است. قسمت اول برنامه ضمانت حساب های جاری است که به بانک ها اجازه می دهد نسبت به خرید پوشش مکمل بیمه سپرده برای حساب های جاری بدون سود خود اقدام کنند. قسمت دوم برنامه ضمانت بدهی است که به بانک های اجازه می دهد نسبت به خرید پوشش بیمه ای برای اوراق قرضه و بدهی های اصلی بدون وثیقه اقدام کنند. سرقفی نظارتی^۸ نیز به این شکل است که شرکت سهامی بیمه وام و پس انداز فدرال به مؤسسات سالم تر پس انداز و وام مسکن اعلام می کرد که در صورت خرید یک مؤسسه در حال ورشکستگی به جای دریافت پول نقد برای جبران زیان های وارده، به آنها اجازه خواهد داد معادل آن مقدار نقدینگی را سرقفی نظارتی به عنوان سرمایه به حساب آورند (جان اف. بوونزی^۹، ۲۰۱۵).

به منظور ارائه بستر قانونی و مقرراتی نظام گزیر، صندوقی با نام "برنامه خدمات جبرانی مالی"^{۱۰} که نهادهای مستقل از دولت است، امور مربوط به بیمه سپرده ها را به عهده می گیرد. این نهاد از طریق مالیات بر مؤسسات مالی، تأمین مالی می شود، در چارچوب نظام گزیر کشور انگلستان، دو دسته از شرایط باید قبل از قرار گرفتن مؤسسه ای مالی در فرایند گزیر احراز شود. نخستین شرط آن است که مؤسسه در زمان بررسی، در حال توقف یا متوقف باشد. شرط دوم آن است که نباید به صورت منطقی احتمال این رخداد در خارج از نظام گزیر وجود داشته باشد که اقدامات انجام شده منجر به حاکم شدن شرایط توقف دیگری برای مؤسسه مالی شود (بانک مرکزی انگلستان^{۱۱}، ۲۰۱۴).

1. International monetary fund
2. xuan
3. Alexander Kern
4. Federal deposit insurance corporation
5. Open bank assistance transaction
6. voluntary merger program
7. Temporary liquidity guarantee program
8. supervisory goodwill
9. John F. Bovezi
10. Financial compensation service program
11. Bank of England



۴- مطالعات و مباحث داخلی

حدود ۳۶۰ هزار میلیارد تومان بدهی بانک ها به بانک مرکزی است که نقش مهمی در افزایش پایه پولی و رشد نقدینگی و تورم دارد. نرخ رشد نقدینگی در کشور هر ساله متوسط ۳۲ درصد افزایش پیدا کرده و این زنگ خطری برای اقتصاد ایران است که استمرار آن در این مسیر میسر نخواهد بود (پور ابراهیمی، ۱۴۰۱). از طرفی دیگر بانک ها یکسری مطالبات از دولت و یکسری بدهی به بانک مرکزی دارند که در صورت تامین کفایت سرمایه توسط آنها میتوان مطالبات را از آنها کاهش داد (فرزین، ۱۴۰۱). طبق آمار بانک مرکزی از تحولات پولی و بانکی شهریورماه سال ۱۴۰۱، در اولین ماه تابستان ۱۴۰۱ بدهی بانک ها به بانک مرکزی برابر با ۱۷۶ هزار و ۴۶۵ میلیارد تومان بوده که نسبت به پایان سال قبل ۲۹ هزار و ۹۳۰ میلیارد تومان بیشتر شده است. سال ۱۴۰۱ می توانست فرصتی برای تحقق اصلاحات ساختار بانکی باشد و این یکی از شعارهای دولت سیزدهم بود؛ اما این مهم بار دیگر محقق نشد و شبکه بانکی متاثر از وضعیت اقتصادی کشور است. اقتصاد با غول تورم پنجه انداخته و همین وضعیت در وضعیت بانک ها هم اثرگذار است. البته در سال گذشته با توجه به تورم شدیدی که ایجاد شد، دارایی های غیرپولی بانک ها تحت تاثیر قرار گرفت و درآمد غیرعملیاتی آنها را بالا برد، اما این گرهی از گره بانک ها باز نکرد در سال ۱۴۰۱ روند دست درازی دولت به منابع بانک ها ادامه داشت تا روند بدهکار بودن بانک ها به بانک مرکزی متوقف نشود بلکه در سراسیابی هم قرار بگیرد. در حالی که بانک مرکزی باید مقتدرانه اجازه دست درازی دولت به منابع بانک ها را ندهد، اما روند افزایشی اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی طبق آمار خود این نهاد، نشان می دهد که بانک ها از منظر منابع، شرایط چندان مطلوبی ندارند (اتاق ایران، ۱۴۰۱). وظیفه بانک مرکزی حفظ ارزش پول ملی، کنترل تورم و در کنار آن نظارت بر بانک ها است تا به سپرده های مردم صدمه ای وارد نشود. گاهی حفظ ارزش پول ملی با سیاست های اقتصادی دولت ها در تناقض قرار می گیرد و اگر بانک مرکزی استقلال نداشته باشد، نمی تواند منافع ذی نفع ها را پایداری کند. وقتی دولت و مجلس دستورات تکلیفی درباره نیاز به نقدینگی برای ساخت پل، ساخت سد یا جاده سازی و غیره به بانک ها اعلام می کنند، راهی جز چاپ پول از سوی بانک مرکزی باقی نمی ماند. زمانی که دولت این دستورات را به بانک مرکزی می دهد استقلال بانک مرکزی هم سؤال می رود و چاره ای جز اجرای این دستورات باقی نمی ماند و در نتیجه این اقدام هم منجر به تورم بیشتر می شود و مردم را با مشکلات مواجه می کند و ارزش پول ملی را هم کاهش می دهد. اگر بانک مرکزی استقلال نداشته باشد و به نظر متخصص های اقتصادی توجه نکند، باعث افزایش نرخ تورم در کشور خواهد شد. وضع موجود دقیقاً مصداق همین مسئله است که افزایش نقدینگی به تورم ۴۰ درصد حتی ۶۰ درصد منجر شود و هیچ کس در نهایت در این باره پاسخگو نباشد (حاتمی یزد، ۱۴۰۱).

جدول ۳- وضعیت عملکردی ۲۴ بانک خصوصی و دولتی

وضعیت عملکرد ۲۲ بانک خصوصی و دولتی کشور براساس صورت‌های مالی افشاده سال ۱۴۰۱ و اطلاعات منتشره بانک مرکزی (رشته بندی از بدترین به بهترین وضعیت براساس ۶ شاخص الزام به معیار دولتی)						
رتبه	نوع بانک	نام بانک	کفایت سرمایه	نسبت‌های غیر جاری به کل تسهیلات	نسبت‌های مشکوک الوصول به کل تسهیلات غیر جاری	نسبت‌های اشغالی مرتبط به کل تسهیلات
۱	خصوصی	سرمایه	۲۶۵٪	۵۸٪	۹۹٪	۷۳٪
۲	خصوصی	آینده	۱۵۶٪	۲۵٪	۲۲٪	۶۶٪
۳	خصوصی	ایران زمین	۱۲۰٪	۶٪	۲۲٪	۶۶٪
۴	خصوصی	دی	۹۵٪	۲۳٪	۲۳٪	۵۵٪
۵	خصوصی	شهر	۱۶٪	۶٪	۲۳٪	۱۲٪
۶	خصوصی	پارسیان	۷۸٪	۲۱٪	۱۰٪	۱٪
۷	دولتی	ملی	۸۲٪	۲۹٪	۶۱٪	۰٪
۸	خصوصی	ملل	۷۳٪	۰٪	۳۸٪	۶۶٪
۹	خصوصی	گرددشگری	۱۱٪	۷٪	۲۳٪	۳۰٪
۱۰	دولتی	صنعت و معدن	۳۰٪	۲۵٪	۸۶٪	۰٪
۱۱	خصوصی	صناعات	۱٪	۹٪	۶۹٪	۰٪
۱۲	خصوصی	فصلانویس	۳٪	۵٪	۷۸٪	۰٪
۱۳	خصوصی	راه	۹٪	۳٪	۳۰٪	۱۰٪
۱۴	دولتی	توسعه صادرات	۱۲٪	۲٪	۲۹٪	۱٪
۱۵	دولتی	کشاورزی	۲٪	۱۰٪	۱۷٪	۰٪
۱۶	خصوصی	سپاس	۵٪	۰٪	۹۱٪	۰٪
۱۷	خصوصی	کارگین	۱۲٪	۲٪	۵۰٪	۰٪
۱۸	دولتی	توسعه تعاون	۲۴٪	۰٪	۰٪	۰٪
۱۹	خصوصی	باجرات	۳٪	۴٪	۱۹٪	۰٪
۲۰	دولتی	سپن	۶٪	۱۸٪	۵۱٪	۰٪
۲۱	خصوصی	ملت	۸٪	۲٪	۶۵٪	۰٪
۲۲	خصوصی	سپنا	۷٪	۰٪	۱۸٪	۵٪
۲۳	خصوصی	خاورمیانه	۱۲٪	۲٪	۲۵٪	۰٪
۲۴	خصوصی	پاسارگاد	۹٪	۱٪	۶۱٪	۲٪

توضیح: این رشته بندی براساس مجموع نمرات هر بانک در ۶ شاخص ارزیابی شده و ترتیب بانک‌ها نیز از بدترین وضعیت به بهترین وضعیت در این ۶ شاخص بوده است

با نگاهی به جدول (۳) می‌بینیم که نسبت کفایت سرمایه که در حالت معمول باید از هشت بیشتر باشد در ۱۹ بانک کمتر از حد استاندارد ۸ درصد قرار دارد و حتی در ۱۰ بانک کشور این نسبت منفی است. بانک سرمایه با نسبت کفایت سرمایه منفی ۳۶۵ درصد، آینده با منفی ۱۵۷ درصد، دی با منفی ۴۵ درصد، ایران زمین با منفی ۴۳ درصد، توسعه تعاون با منفی ۲۴ درصد، شهر با منفی ۱۶ درصد، ملی و پارسیان با منفی ۸ درصد، ملل با منفی ۷ درصد و گردشگری با منفی یک درصد بانک‌ها و موسسات اعتباری هستند که دارای نسبت کفایت سرمایه منفی بوده که نشان می‌دهد دارای چالش‌ها و مشکلات ساختاری هستند.

نسبت کفایت سرمایه یک شاخص کلیدی در تحلیل وضعیت بانک‌ها و موسسات اعتباری است که نشان می‌دهد دارایی بانک تا چه حد در سبد مناسب سرمایه‌گذاری شده و از نظر ریسک و به کارگیری سرمایه در دارایی‌های مختلف از وضعیت مناسبی برخوردار است. به طور ساده‌تر نسبت کفایت سرمایه به معنی نسبت سرمایه بانک به دارایی‌های همراه با ریسک است. در نظام بانکداری کشور به رغم گذشت سال‌ها از ابلاغ مصوبات کفایت سرمایه، نظام بانکداری و سیاست‌گذاران توجه جدی به این نسبت نداشته‌اند. به جرات می‌توان گفت ورشکستگی موسسات مالی در سال ۹۶ از تبعات جدی گرفته نشدن همین نسبت بوده است از این رو نگاهی به داده‌های مالی بانک‌های کشور در جدول (۳) نشان می‌دهد نسبت کفایت سرمایه که در حالت معمول باید از هشت بیشتر باشد (البته نسبت کفایت سرمایه ۸ درصد در نسخه‌های گذشته دستورالعمل کمیته بال بوده و هم‌اکنون ۱۳ درصد به عنوان مبنای جدید قرار دارد اما بانک مرکزی همچنان نسخه ۸ درصد را برای شبکه بانکی کشور به صورت رسمی مطالبه می‌کند) در ۱۹ بانک کمتر از حد استاندارد ۸ درصد قرار دارد و همانطور که پیش تر گفته شد حتی در ۱۰ بانک کشور این نسبت منفی است. از طرف دیگر یکی از مسائلی که طی چندسال اخیر مورد تاکید بانک مرکزی قرار دارد، این است که بانک‌های دارای مشکلات ساختاری با افزایش سرمایه، به بهبود کفایت سرمایه خود اقدام کنند، مساله‌ای که بیش از راحل بودن، عنوان پاک کردن صورت مساله را یدک می‌کشد؛ چراکه به فرض محال و افزایش سرمایه و رساندن کفایت سرمایه تا حد استاندارد مدنظر، ساختار بانکی معیوب همچنان وجود دارد و نه تنها افزایش کمی سرمایه را محو می‌کند، بلکه اجازه فعالیت سالم را به بانک نمی‌دهد، لذا راحل مساله فراتر از افزایش سرمایه یا اصلاح برخی ترازهای مالی است.

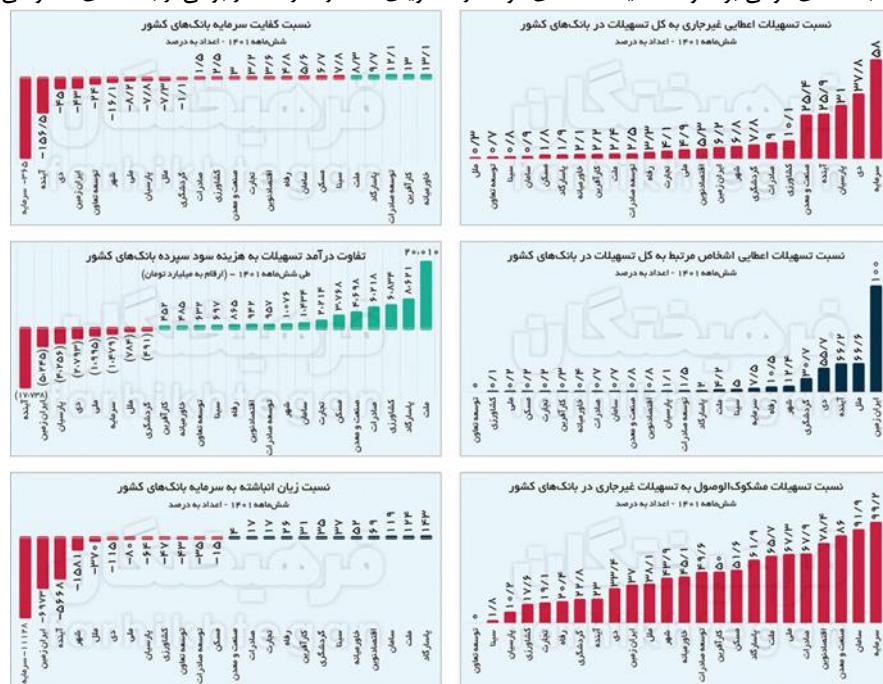
۵- غفلت از وضعیت بانک‌های دولتی

البته در بررسی وضعیت بانک‌ها نباید از عملکرد بانک‌های دولتی غافل شد، چنانکه این بانک‌ها به واسطه داشتن نقش بازوی مالی برای دولت همواره در معرض تعهدات و تکالیف مختلفی هستند که خارج از توان‌شان بوده اما به علت روابط مالکیتی و مدیریتی مجبور به انجام هستند که اثر خود را در کاهش شاخص‌های عملکردی نشان می‌دهد. البته قسمتی از مشکلات بانک‌های دولتی به مسائل مدیریتی نیز برمی‌گردد، چنانکه آمار عملکردی بانک صنعت و معدن نشان از حجم بالای تسهیلات غیرجاری

مشکوک الوصول (سهم ۸۲ درصدی تسهیلات مشکوک الوصول به تسهیلات غیرجاری و سهم ۲۵ درصدی تسهیلات مشکوک الوصول به کل تسهیلات) در کنار نسبت کفایت سرمایه ۳ درصدی این بانک اشاره دارد. از این رو کاهش فشارهای خارج از شبکه بانکی بر بانکهای دولتی و همچنین افزایش اثر ابزارهای نظارتی بر این بانکها می تواند به بهبود وضعیت آنان کمک کند.

۵-۱- چندین بانک ذیل ماده ۱۴۱ قانون تجارت

یکی از جنبه های مهم بررسی عملکرد بانک های کشور نگاه به وضعیت آنها از جنبه قرارگیری ذیل ماده ۱۴۱ قانون تجارت است. براساس این ماده از قانون تجارت در صورتی که بر اثر زیان های وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از بین برود، هیات مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت کند تا درباره موضوع انحلال یا بقای شرکت تصمیم گیری کنند. از این رو نگاهی به ترازنامه ۲۴ بانک مورد بررسی نشان می دهد زیان انباشته در بانک آینده ۹۵ هزار میلیارد تومان (زیان انباشته به سرمایه منفی ۵ هزار و ۶۶۸ درصد)، ملی ۷۶ هزار و ۹۰۰ میلیارد (زیان انباشته به سرمایه منفی ۸۰ درصد)، سرمایه ۴۴ هزار و ۵۰۰ میلیارد (زیان انباشته به سرمایه منفی ۱۱ هزار و ۱۲۸ درصد)، شهر ۲۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد (زیان انباشته به سرمایه منفی ۵۸۱ درصد)، ایران زمین ۲۱ هزار و ۳۰۰ میلیارد (زیان انباشته به سرمایه منفی ۶ هزار و ۹۷۳ درصد)، دی ۱۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد (نسبت زیان انباشته به سرمایه منفی ۱۱۵ درصد)، پارسین ۱۰ هزار میلیارد (زیان انباشته به سرمایه منفی ۶۴ درصد) و ملل ۳ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان (زیان انباشته به سرمایه منفی ۳۷۰ درصد)؛ این سرفصل ترازنامه از ۵۰ درصد سرمایه آنها بیشتر است و طبعاً ذیل ماده ۱۴۱ قانون تجارت قرار می گیرند. این موضوع از آنجا هم مایه تعجب و هم مایه تاسف است که توجه داشته باشیم بانک های کشور به سبب اهمیت حضور و فعالیت و اثرگذاری بر متغیرهای کلان اقتصادی علاوه بر آنکه دارای شاخص های حساسیت سنجی هستند، بانک مرکزی نیز متناوباً به بررسی عملکرد و مدیریت رفتار آنها پردازد و اجازه ندهد بانک های کشور در سایه غیاب نهاد ناظر فعال، به وضعیتی این چنین اسفناک در برابر شاخص های بین المللی و داخلی دچار شوند و حتی با در نظر گرفتن اینکه بانک ملی به عنوان بانکی دولتی و دارای وظایف وسیع مالی و تسهیلات تکلیفی، وضعیت نامناسبی داشته باشد (البته در هر صورت قابل توجیه نیست)، نمود وضعیت نادرست فعلی در بانک های خصوصی اشاره شده که نه دارای بار مالی تسهیلات تکلیفی در حد بانک های دولتی بوده و نه فعالیت اقتصادی مولد دارند، گویای ساختار نادرست در برخی از بانک های خصوصی است.



شکل ۲- نمودارهای تحلیلی موضوع

۵-۲- بررسی تسهیلات غیرجاری در این بانکها

همان گونه که واضح است عملیات بانکی مجموعه ای به هم پیوسته از حلقه های مالی است که اختلال و انقطاع در هر یک از حلقه ها و به تناسب اهمیت آن، می تواند اثر منفی خود را در کل زنجیره بگذارد. از این رو تسهیلات اعطایی به عنوان دارایی بانک و عمده ترین خدمت که توسط این نهادهای مالی ارائه می شود اهمیت وافری داشته و دقت و مراقبت مسیر آن برای هر بانک اهمیت بالایی دارد. چنان که مرور اطلاعات مالی بانک های کشور نشان می دهد حضور برخی بانک های ناسالم در این فهرست نیز مشهود و

پررنگ است؛ چراکه بیشترین نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات مربوط به بانک سرمایه با ۵۸ درصد، دی با ۳۸، آینده با ۳۳، پارسیان با ۳۱ و صنعت و معدن با ۲۵ درصد است. نکته جالب توجه در این خصوص آن است که از میان تسهیلات غیرجاری، سهم طبقه مشکوک الوصول در بانک سرمایه ۹۹ درصد، در بانک صنعت و معدن ۸۶ درصد و در بانک آینده ۷۶ درصد است که باید گفت درواقع بانک امیدی به بازگشت این تسهیلات غیرجاری نمی‌تواند داشته باشد.

۵-۳- این بانک‌ها ۵۰ تا ۶۰ درصد تسهیلات را به خودشان داده‌اند

براساس آیین‌نامه ابلاغی، «تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط» بانک مرکزی، منظور از اشخاص مرتبط اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که به نحوه‌ای نظیر داشتن روابط شخصی، مالکیتی، مدیریتی و نظارتی بتوانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تصمیم‌گیری‌های بانک و موسسه اعتباری اعمال کنترل یا نفوذ قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، به‌گونه‌ای که این نهاد مالی را تبدیل به منبع تامین مالی ترجیحی خود کرده و به این ترتیب منافع بانک و موسسه اعتباری، تحت‌الشعاع منافع اشخاص مذکور قرار گیرد؛ اما بعد از تعریف اشخاص مرتبط، مقام ناظر شبکه بانکی، ۸ مصداق برای شناسایی این قبیل افراد قائل شده که براساس آن سقف اعطای تسهیلات بانک به این افراد باید با محدودیت روبه‌رو شود. از طرفی با نگاهی به آمار اعلامی بانک مرکزی از تسهیلات بانک‌های کشور به اشخاص مرتبط با خود مشاهده می‌شود که در ۲۴ بانک مورد بررسی، ۲۲۰ هزار میلیارد تومان به این افراد پرداخت شده که نگاهی به سهم اشخاص مرتبط از کل تسهیلات بانک‌های مورد اشاره می‌تواند در روشن‌سازی ابعاد ماجرای اعطای تسهیلات به اشخاص مرتبط راهگشا باشد. در میان بانک‌های کشور، مقایسه کل تسهیلات ۹ هزار میلیارد تومانی بانک ایران‌زمین با تسهیلات ۲۵ هزار میلیارد تومانی اشخاص مرتبط این بانک که توسط بانک مرکزی انتشار یافته نشان‌دهنده اختلاف بیش از ۲٫۵ برابری دریافتی اشخاص مرتبط از کل تسهیلات این بانک است که خود نکته عجیبی است. بعد از بانک ایران‌زمین، موسسه اعتباری ملل با پرداخت نزدیک به ۶۷ درصد از کل تسهیلات به اشخاص مرتبط با خود در رتبه سوم قرار دارد و علی‌رغم آنکه در پی دریافت مجوز فعالیت بانکی است با این قبیل رفتارهای انحصارگرایانه می‌توان عملکرد آن را؛ فردای دریافت مجوز هم پیش‌بینی کرد. بانک آینده نیز براساس مانده تسهیلات اعطایی این بانک در شش ماهه ۱۴۰۱ حدود ۱۳۵ هزار میلیارد تومان تسهیلات اعطا کرده که با در نظر گرفتن ۸۹ هزار میلیارد تومان تسهیلات اشخاص مرتبط حدود ۶۶ درصد از تسهیلات را به افراد مرتبط اعطا کرده است. بعد از بانک آینده، بانک دی با اعطای ۵۶ درصد از تسهیلات خود به اشخاص مرتبط در رتبه بعدی قرار دارد و بانک گردشگری با ۳۱ درصد، بانک شهر با ۱۲ درصد و بانک رفاه با ۱۱ درصد بانک‌هایی هستند که اشخاص مرتبط آنها تسهیلاتی بیش از ۱۰ درصد از کل تسهیلات دریافت کرده‌اند.

۵-۴- رد پای بانک‌های ناسالم در زیان‌سازی

مشابه با تمام شرکت‌هایی که فعالیت اقتصادی دارند، عمده‌ترین اقلام درآمدی و هزینه‌ای بانک‌ها در ابتدای صورت سود و زیان قرار دارد که عبارت است از درآمد تسهیلات اعطایی و سپرده‌گذاری و اوراق بدهی درمقابل هزینه سود سپرده‌ها. درواقع از تفاوت این دو قلم، خالص درآمد تسهیلات و سپرده‌گذاری به دست می‌آید که می‌تواند تبیین‌گر عمده‌ترین فعالیت بانک (در حالت معمول) باشد. بررسی صورت‌های موجود بانک‌های خصوصی و دولتی کشور با اولویت صورت‌های مالی ۶ ماهه نشان از آن دارد که از میان ۲۴ بانک مورد بررسی، سود پرداختی سپرده‌های سرمایه‌گذاری در ۸ بانک بیش از درآمد حاصله از تسهیلات اعطایی آنان است و به عبارتی در اولین و مهم‌ترین عملیات بانکی خود با زیان روبه‌رو هستند. نگاهی به فهرست این بانک‌ها نشان می‌دهد بانک آینده با پرداخت سود سپرده بیش از ۲۷ هزار میلیارد تومانی و درآمد تقریبی ۹ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومانی از تسهیلات خود حدود ۱۸ هزار میلیارد تومان از مابه‌التفاوت این دو قلم دچار ضرر شده است و در رتبه اول میزان زیان قرار دارد. پس از آن نیز بانک ایران‌زمین با پرداخت بیش از ۶ هزار و ۲۰۰ میلیارد سود سپرده سرمایه‌گذاری درمقابل درآمد تسهیلات کمی تقریباً میلیارد تومانی، رتبه دوم پرضررترین بانک‌ها را با زیان ۵ هزار و ۲۵۰ میلیارد تومانی از تفاوت سود پرداختی به سود دریافتی در اختیار دارد. پس از این دو بانک، بانک پارسیان با ۴ هزار و ۳۰۰ هزار میلیارد ضرر در رتبه سوم، دی با حدود ۳ هزار میلیارد ضرر در رتبه دوم، ملی با ۲ هزار میلیارد، سرمایه با هزار و ۵۰۰ میلیارد و ملل و گردشگری نیز به ترتیب با ۸۰۰ و ۵۰۰ میلیارد تومان ضرر از درآمد دریافتی تسهیلات و سود پرداختی سپرده‌ها، در نخستین عملکرد صورت سود و زیان خود با مانده منفی روبه‌رو هستند.

۵-۵- نیمی از سودآورها دولتی و نیمی خصوصی‌اند

در سمت دیگر و جهت مقایسه در میان بانک‌های کشور ۵ بانکی که دارای بیشترین خالص درآمد مثبت از درآمد تسهیلات و سود پرداختی سپرده هستند بانک‌های پاسارگاد با ۱۱ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان، ملت با ۱۰ هزار میلیارد تومان، کشاورزی با ۷ هزار میلیارد تومان و صادرات با بیش از ۶ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان هستند که نشان می‌دهد در فضای بانکداری کشور که توجه‌ها به سمت عملیات بانکی مخرب می‌رود بانک‌هایی نیز با عملیات مثبت (حداقل در این سرفصل) حضور دارند و حتی با در نظر گرفتن خالص درآمد مثبت هزار میلیارد تومان از این دو قلم باید گفت از ۸ بانکی که در وضعیت مثبت بیش از هزار میلیارد تومانی قرار دارند نیمی از آنها دولتی و نیمی دیگر خصوصی بوده‌اند. لذا دسته‌بندی منفی برای تمام بانک‌های خصوصی نه‌تنها جبری و

تک بعدی است بلکه با واقعیات بانکداری کشور نیز همخوانی ندارد. البته نکته قابل ذکر درخصوص بررسی دو قلم هزینه سود سپرده و درآمد حاصل از اعطای تسهیلات آن است که برآیند این دو قلم به نوعی نشان دهنده سطح اطمینان بانک از تسهیلات اعطایی خود و متغیرهای آن (نظیر نرخ سود، وثایق اخذ شده، دوره تنفس و طول دوره بازپرداخت) با واقعیات عملیات سرمایه گذاری است؛ چراکه اعطای تسهیلات به متقاضیان در صورتی که با تسامح بیش از حد در برابر هر یک از متغیرهای ذکر شده صورت بگیرد علاوه بر آن که خطر عدم بازگشت را برای منابع بانک رقم می زند، با کاهش این قلم درآمدی، قدرت سودآوری این واحد اقتصادی را تحت الشعاع قرار می دهد. از سوی دیگر بانک های مختلف در رقابت با یکدیگر سعی دارند تا با خلق مزیت نسبی، سپرده های مشتریان خصوصا سپرده های سرمایه گذاری را به سمت خود جذب کنند، این موضوع از آنجا مهم است که جذب سپرده بیشتر تنها یک سمت ماجرا است و سمت دیگر آن، تعهدی است که بانک در قبال این سپرده ها باید ایفا کند و با به کارگیری این منابع مالی در امور مولد و سودده، سود مورد انتظار در قرارداد سرمایه گذاری خود با مشتریان را بپردازد. از این رو همان گونه که ذکر شد انگیزه جذب سپرده از مشتریان به همان شکل که موجب رقابت میان بانک ها می شود، اما اینکه بانکی علی رغم ساختار مالی معیوب در مولدسازی سپرده ها، حتی نتواند سپرده های خود را بازستاند و از این ناحیه آسیب ببیند و برآیند تفاوت درآمد تسهیلات اعطایی و سود سپرده آن منفی گردد مساله ای تعجب برانگیز است.

۵-۶- بند تسهیلات تکلیفی بی قاعده به پای شبکه بانکی

موضوع تسهیلات تکلیفی از مواردی است که همواره جنبه های گوناگون و بعضا متضادی داشته که نتیجه آن را می توان در اظهار نظر کارشناسان اقتصادی و بانکی دید. درواقع گاهی اوقات دولت و حاکمیت در راستای رفع نیاز بخش های اقتصادی یا در پاسخ به مشکلات و حوادث غیرمترقبه یا براساس برنامه ریزی های کلان توسعه ای برعهده شبکه بانکی می گذارند تا بانک ها جدا از روند معمول اعطای تسهیلات خود، به بخش هایی که در حوزه شمول سیاست ها و دستورات قرار می گیرند، تخصیص اعتبار داشته باشند. از سوی دیگر نیز برخی اوقات تسهیلات تکلیفی اگرچه شاید معنای مصطلح ذکر شده را نداشته باشند اما پرداخت نهایی آن از سوی شبکه بانکی همان وضعیت را رقم می زند و بیش از آنکه نوع نگاه حاکمیت و نحوه تعامل آن با بخش ها و گروه های مختلف را تبیین کند و اثر مستقیم و غیرمستقیمی بر رشد و توسعه اقتصادی بگذارد، معلول کژکارکردی سازوکارهای مالی و اقتصادی و روابط مربوطه است. برای مثال یارانه های بانکی به بخش ها، تسهیلات تکلیفی حوزه یارانه های انرژی (به دلیل عدم امکان فروش به قیمت تمام شده برای شرکت های دولتی و زیان دهی پس از آن) یا تسهیلات تکلیفی خرید محصولات کشاورزی (به شرکت هایی نظیر بازرگانی دولتی ایران) و... یا به مواردی از این دست اشاره کرد.

البته دایره تسهیلات تکلیفی به موارد گفته شده و بانک های دولتی محدود نمی گردد و بانک های خصوصی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. برای مثال حجم کمک ۳ درصدی دولت برای حق بیمه شاغلان بیمه پرداز در سال ۱۴۰۲ به حدود ۸۰ هزار میلیارد تومان می رسد که با عدم پرداخت به موقع آن، سازمان تامین اجتماعی جهت پوشش این سهم ناچار به تامین مالی آن از بانک رفاه است که اثر این موضوع در بدهکاری سازمان تامین اجتماعی، افزایش تسهیلات کلان و غیرجاری بانک رفاه و عدم ایفای تعهدات دولت، نشان داده خواهد شد. همچنین یکی از مواردی که به نوعی ضربه سختی را به روند معمول گردش منابع در شبکه بانکی وارد می سازد، موضوع اقالام فرابودجه ای است. این اقالام اگرچه به صورت یک تبصره در بودجه وجود دارند که رقم آن نیز ذکر نشده و ظاهر یک خطی دارند اما در باطن آن تعهد مالی زیادی را ایجاد می کند که در تعمیق بحران شبکه بانکی نقش دارد.

۵-۷- بانک هایی که وارثان مشکلات کهنه هستند

همان گونه که آمار ارائه شده در این گزارش نشان می دهد، حجم بالایی از مشکلات نظام بانکی کشور در برخی از بانک ها انباشته شده که در میان این بانک ها ترکیبی از بانک های دولتی و خصوصی هستند و نمی توان استدلال ذات خصوصی یا دولتی را در ایجاد مشکل یا مشکل نداشتن پذیرفت. همچنین بررسی سرگذشت این بانک ها نیز نشان می دهد برخی مشکلات تاریخی حل نشده در آنان وجود دارد، چنانکه هسته اولیه تشکیل برخی بانک ها با حاشیه هایی همراه بود و از ادغام بانک ها و موسسات مالی دارای مشکلات ساختاری و مالی، بانک هایی متولد شدند. برای مثال بانک ایران زمین، موسسه مالی و اعتباری ملل و موسسه نور از این دست نهادهای مالی هستند یا بانک قوامین که با ادغام خود در بانک سپه چالش هایی را برای آن به وجود آورده، مواردی هستند که وارثان مشکلات بانک ها و موسسات مالی قدیمی نظیر عدم نقدشوندگی دارایی و کسری مالی بالا بوده و بدون حل این مشکلات، گزینه ادغام و ارتقا به بانک و... توسط نهاد ناظر انتخاب شد. نتیجه این وضعیت نیز چنان شد که با عدم رفع کسری بانک ها و تبدیل آن به اضافه برداشت از بانک مرکزی، غولی از آن ساخته شد تا با گذشت هر روز از وضعیت فعلی آثار سخت مالی برای کشور داشته باشد.

۵-۸- ذی نفعان فراوان، نظارت ناکافی و مشکلات تاریخی در نظام بانکی

همچنین در کنار اطلاعات مالی و مشکلات تاریخی در پی شکل گیری برخی بانک ها و موسسات مالی کشور، بررسی عملیات بانک های مختلف در طی سال های اخیر نشان می دهد رفتار مالی ناسالم بانک ها با یکدیگر تفاوت داشته است. برای مثال شاهد آن

هستیم بانک پارسیان به سبب سهامداری مجموعه اقتصادی مانند ایران خودرو و به واسطه عدم اجازه افزایش قیمت منصفانه خودرو توسط دولت و همچنین مشکلات ساختاری خودروسازان، منبع تامین مالی خودروسازان شده؛ پس در این بانک رابطه مالی میان دولت و صنعت خودرو و همچنین ایران خودرو و بانک پارسیان را شاهدیم. یا به عنوان مثال دیگر در بانک‌هایی مانند سرمایه مشاهدات نشان می‌دهد طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ و ۹۵ افراد غیردولتی با استفاده از شرکت‌ها و فعالیت‌های صوری که قریب به اتفاق آنان در بخش بازرگانی بوده وام‌های کلانی دریافت کرده‌اند و اتفاقاً بازپرداخت نشده که در این موضوع نیز هم ضعف قوانین و مقررات و رعایت بهداشت اعتباری و هم در عدم تناسب یا صحت‌سنجی وثایق و اعطای تسهیلات به شرکت‌های صوری مشهود است که هم به بانک ذکر شده و هم به نهاد ناظر برمی‌گردد. همچنین به عنوان مثال دیگر نیز می‌توان به بانک آینده اشاره کرد که در سایه ضعف نظارتی بانک مرکزی تسهیلات کلانی به زیرمجموعه‌های خود اعطا کرده و مقادیر زیادی از این دارایی‌ها را در بخش پرریسک وارد ساخت که هم‌اکنون قابلیت نقد شدن ندارند. درحالی‌که تامین مالی انجام گرفته توسط این بانک، در حالت معمول باید توسط کنسرسیومی از بانک‌ها اعطا شود اما این بانک عملاً به جای چندین بانک تامین مالی برای تعداد معدودی پروژه را انجام داده و با غیرمتنوع‌سازی دارایی خود در حوزه‌هایی نظیر ساخت‌وساز تجاری ریسک تمرکز سنگینی را به جان خریده است و به نظام بانکی و کشور تحمیل کرده است.

۵-۹- اصلاح نظام کارمزدها

بهترین شاخص بانکداری اسلامی، حاکمیت خدمات کارمزد است. در بانک‌های پیشرفته دنیا، درحالی‌که نرخ بهره میل به صفر کردن دارد، اما ترازنامه عملیاتی آن‌ها سودهای هنگفتی را نشان می‌دهد. طبیعی است وقتی نگاه خدمات محور در بانکداری حاکم باشد بهره و ربا از سیستم حذف می‌شود از اینرو باید کلیه خدمات گیرندگان، اعم از پذیرندگان کارتخوان‌ها، فروشندگان، مصرف‌کنندگان و خریداران هزینه‌های جاری بانک را پوشش دهند؛ بانک‌ها باید در عرصه اقتصادی کمک حال فراز و فرودهای اقتصادی باشند، ولی بانک‌های کشور ما با پرهیز از دریافت کارمزد خدمات و با خلق پول شکاف طبقاتی و تورم را تشدید می‌کنند. تنها راه تامین و پوشش هزینه‌های حقیقی و عملیاتی بانک، نظام حاکمیت کارمزدی است که بانک‌های دنیا هم در همین سمت و سو حرکت می‌کنند. چنانچه پذیرندگان هزینه‌های خدمات خود را نپردازند، بانک باید هزینه‌ها نگهداری و پایداری سیستم را پرداخت کند و اگر درآمد بانک تحقق نیابد مجبور است از بانک مرکزی استقراض یا اضافه برداشت کند که ناترازی بانک را تشدید می‌کند و یا به خریدار و مصرف کننده فشار وارد می‌شود. بانکداری اگر کارمزد محور نباشد به سمت ربا محوری حرکت می‌کند که در این صورت بانک بنگاه محور و در خدمت سهامداران خود قرار خواهد گرفت (کاظمی، ۱۴۰۲).

۵-۱۰- تاسیس صندوق تامین سرمایه خصوصی برای احیای بنگاه‌های ورشکسته

در مدل‌های دیگر کشورها شرکت‌های تامین سرمایه و سیدگردان‌ها با شناسایی بنگاه‌های ناتراز با تشکیل صندوق تامین مالی با هدف اصلاح ساختار بنگاه ناتراز و استفاده از بحث تامین مالی مشکل اصلی بنگاه ناتراز را حل می‌کند. این محقق اقتصادی با اشاره به مشکلات واقعی بانک‌های ناتراز افزود: بانک‌ها از یکسو نیازمند منابع تازه هستند و از سوی دیگر نیازمند شجاعت در تصمیمات مدیریتی، در مدل پیشنهادی ما شرکت‌های تامین سرمایه صندوق سرمایه خصوصی (PE) می‌توانند تا رساندن بنگاه به بازدهی، عمل مثبت داشته باشند و بعد از رسیدن به سود خودشان را حذف کنند و بنگاه را در بورس عرضه کنند (علامه راد، ۱۴۰۲). علاوه بر ناترازی، انحراف تسهیلات از مقاصدی که توسط بانک برای آن در نظر گرفته شده می‌تواند ضمن ایجاد تخصیص غیربهرینه منابع (انحراف آن به سوی فعالیت‌های نامولد) منجر به ایجاد مطالبات غیرجاری برای بانک‌ها و به نوبه خود کاهش توان تسهیلات دهی بانک‌ها شود. اصلاح ترازنامه بانک‌ها از طریق رفع ناترازی بانک‌های تخصصی و دولتی، استقرار نظام حاکمیت شرکتی مطلوب، توسعه نظام اعتبارسنجی و رتبه‌بندی، استقرار نظام تامین مالی مبتنی بر زنجیره ارزش و افزایش سرمایه بانک‌های تخصصی و تجاری دولتی باید دنبال شود (خاندوزی، ۱۴۰۱).

۶- بازخوانی یا بازنگری در برنامه‌ها

از آنجایی که دولت با نگاه آسیب‌شناسانه برنامه‌های خود را تنظیم می‌کند. بر این اساس، دولت و وزارت اقتصاد برنامه‌اش را بر مبنای تغییر ریل نظام هدایت اعتبار در ابعاد مختلف شبکه بانکی قرار می‌دهد و بر ضرورت اعتبارسنجی و رتبه‌بندی مشتریان بانک‌ها در اعطای تسهیلات به جای نظام وثیقه‌محوری قرار داده و نظارت بانک مرکزی بر اعتبارات بانکی و بازنگری در روش‌ها و سازوکارهای اعطای تسهیلات حمایتی را ضروری می‌داند و با تاکید بر اینکه بانک‌های دولتی و خصوصی‌شده در نظام تامین مالی کشور سهم بالایی دارند، اصلاحات بانکی در بازخوانی برخی برنامه‌های بانکی را در مسیر جهش و رونق تولید را ضروری می‌کند. افزایش سهم تامین مالی داخلی بنگاه‌ها با پیگیری تصویب مالیات بر سود تقسیمی و همزمان کاهش نرخ مالیات بر سود شرکت‌هاست. این تغییر رویکرد در عمل باعث شده تا فشار بر بانک‌ها از مسیر بنگاه‌های اقتصادی برای دریافت تسهیلات و گرفتن اعتبارات تا اندازه‌ای کاهش یابد و بنگاه‌ها به ویژه شرکت‌های حاضر در بازار سرمایه، به جای سیاست تقسیم سود، از سود

خود به عنوان یک منبع جدید تامین مالی برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای و حتی سرمایه در گردش استفاده کنند. افزون بر اینکه نرخ مالیات بر درآمد بنگاه‌ها هم با پیگیری وزارت اقتصاد و همراهی دولت و نظر مساعد نمایندگان مجلس در سال ۱۴۰۰ کاهش یافت. البته وزارت اقتصاد با آشکار شدن نشانه‌های مثبتی از این تغییر در الگوی تامین مالی بنگاه‌ها، در صدد کاهش بیشتر مالیات بر درآمد بنگاه‌های اقتصادی است و اثر ملموس دیگر از این تغییر رویکرد را می‌توان در افزایش سرمایه شرکت‌های بازار سهام از محل سود انباشته و تقسیم سود حداقلی مشاهده کرد.

۶-۱- رابطه نقدینگی و تورم غیرقابل انکار است

ناترازی و کسری بودجه عاملی مهم در افزایش نقدینگی مازاد بر تولید است که دولت برای جبران آن به شبکه بانکی و بانک مرکزی متوسل می‌شود. عامل مهم دیگر رقم قابل توجه ناترازی شبکه بانکی است که این رقم به قدری عظیم است و بر تصمیم‌گیری بانکها اثر سوء گذاشته که عملاً به بازگشت تسهیلات اعطایی و ریسک این تسهیلات بر شبکه بانکی توجه نمی‌کنند و با حمایت بانک مرکزی؛ بانکها به تسهیلات-دهی بیش از حد ادامه می‌دهند. اگر دولت به دنبال کنترل پایدار و تک رقمی شدن تورم در بلند مدت است، ضروری است برای کاهش رشد نقدینگی برنامه ریزی کند و ناترازی بانکی و بودجه-ای و فرابودجه-ای از قبیل ناترازی-های صندوق-های بازنشتی و شرکت-های دولتی که به دلیل قیمت‌گذاری دستوری و غیراصولی بیش از حد دولت ایجاد شده و عملاً کارکرد ضد انحصار ندارد، حل شود. (جمور، ۱۴۰۲). راهکار اصولی برای سر به راه کردن بانک‌های ناسالم و ناکارآمد ادغام با دیگر بانک‌ها و یا شرکت‌های بزرگ تامین سرمایه است تا با مدیریت منابع اموال بی کیفیت و مسکون توسط آن شرکت‌ها خریداری و در اختیار بانک قرار گیرد، شیوه‌ای که به اصطلاح روش «گریز» نامیده می‌شود (ندری، ۱۴۰۱).

۶-۲- افزایش سرمایه (بهبود کفایت سرمایه)

برای از بین بردن ناترازی‌های بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های خصوصی باید افزایش سرمایه ملاک قرار گیرد؛ افزایش سرمایه شرایط بانک‌ها را بهبود می‌بخشد و باعث خواهد شد که مشکلاتشان در پرداخت تسهیلات مرتفع شود و از سوی دیگر به رفع ناترازی‌های موجود خاتمه دهد البته ناگفته نماند منظور از افزایش سرمایه از محل ارزیابی‌ها دارایی‌ها نیست بلکه افزایش سرمایه به صورت نقدی یا از محل آورده نقدی است. وقتی افزایش سرمایه از محل ارزیابی‌ها باشد، امکان تزریق منابع وجود نخواهد داشت از سوی دیگر برای از بین بردن ناترازی‌ها بایستی بانک‌ها نظارتشان را افزایش دهند و تقویت کنند تا تسهیلاتی را که پرداخت کرده‌اند، بازگشت داشته باشد ولی متأسفانه تا به امروز نظارت به مفهوم واقعی وجود نداشته است وقتی تورم بیش از نرخ سود تسهیلات بانکی است، تسهیلات‌گیرندگان می‌گویند به فرض اینکه در پرداخت تسهیلاتشان تعلل کنیم باز هم جریمه دیرکرد پرداخت تسهیلات کمتر از میزان تورم است و به همین دلیل تورم به عامل مشکل‌ساز برای بازگشت منابع و تسهیلات به نظام بانکی تبدیل شده است آنچه که بانک‌های کشور به ویژه بانک‌های دولتی را آزار می‌دهد، تسهیلات تکلیفی است؛ تسهیلاتی که متناسب با سپرده‌ها و سرمایه‌هایشان نیست ولی چون بانک‌های دولتی توان مخالفت با تسهیلات تکلیفی را ندارند مجبور هستند خارج از توانشان تسهیلات پرداخت کنند و همین مسئله سبب شده تا مردم ماه‌ها در انتظار دریافت تسهیلات باقی بمانند. به هر حال بایستی بانک‌ها معادل سرمایه و منابعی که در اختیار دارند تسهیلات پرداخت کنند (بهمنی، ۱۴۰۲).

۶-۳- رصد عدول بانک‌های ناتراز از شاخص‌های نظارتی

بانک‌های ناتراز بانک‌هایی هستند که از یکسری شاخص‌های نظارتی بانکی عدول کرده اند، خاطرنشان کرد: طیف متنوعی از شاخص‌های نظارتی از قبیل شاخص‌های مربوط به ریسک نقدینگی، ریسک اعتباری و سایر انواع ریسک‌ها وجود دارند که عدم رعایت آنها معمولاً آثار خود را در اضافه برداشت‌ها و کفایت سرمایه اندک بانک نشان می‌دهد بانکی که ناتراز باشد در ابعاد مختلف تاثیر منفی در اقتصاد دارد که از جمله آنها می‌توان به افزایش پایه پولی و رشد نقدینگی خارج از ضوابط اشاره کرد که در نهایت منجر به بروز تورم در اقتصاد می‌شود بانک مرکزی پیش از این به موضوع اضافه برداشت‌ها ورود کرده و ما سعی کردیم از بانک‌ها برنامه مشخصی را دریافت کنیم و بر اساس آن به صورت ماهانه عملکرد بانک‌ها در شاخص‌های مختلف اعم از وصول مطالبات، واگذاری اموال، افزایش سرمایه نقدی پایش می‌شود (سروش، ۱۴۰۲).

۶-۴- گزیر یا حل و فصل مالی

فرایندی که امروز بانک مرکزی برای اصلاح ساختار بانک‌های مشکل دار مدنظر دارد، گزیر یا حل و فصل مالی (Resolution) نام دارد بانک مرکزی در این فرایند اعضای هیات مدیره بانک‌های مشکل دار را سلب صلاحیت و خود یا وزارت اقتصاد را به عنوان هیات مدیره جایگزین‌داری‌های ثابت (شامل زمین، ملک، سرمایه گذارپها، کارخانه‌ها و...) به طور معمول حدود ۳۰ درصد دارایی بانک‌ها را تشکیل می‌دهد و ۷۰ درصد باقی مانده، تسهیلات اعطایی است. بانک مرکزی تا جایی که بتواند سرمایه

ثابت بانکهای مشکل دار را به دارایی نقد تبدیل می کند و در گام آخر این بانکها را در بانکهای بزرگتر با وضعیت ترازنامه ای بهتر، ادغام می کند. فرایند گزیر در سالهای گذشته هم اجرا شد و بانک مرکزی بانکها و موسساتی هم چون ثامن، میزان، انصار، قوامین و ... را در بانکهایی دیگر ادغام کرد. می کند و تا جایی که ممکن است دارایی های این بانکها را به موجودی نقد تبدیل و تسهیلات معوق را تعیین تکلیف می کند بانک مرکزی باید نظارت بانکی را به حداکثر برساند و سیستمی نظارتی در درون خود و شبکه بانکی اعمال کند که حرکت به سمت ناترازی اساسا مجاز نباشد. این سیستم نظارتی چند الزام دارد از جمله اینکه دست بانک مرکزی از نظر قانونی و در حوزه ابزار نظارت و اقتدار، باز باشد که خوشبختانه قانون بانک مرکزی که از سوی مجلس تصویب شده و در مسیر رفت و برگشت به شورای نگهبان است هر چند با در حوزه سیاست گذاری پولی ضعفهای زیادی دارد، در حوزه نظارت بانکی تقریبا قانون کاملی است که هم می تواند به بانک مرکزی ابزار نظارتی و اقتدار بدهد و هم برخی مصادیق تعارض منافع بین بانک مرکزی و شبکه بانکی را تا حدی کاهش دهد بسترهای لازم برای افزایش اعتبارسنجی در شبکه بانکی هم باید ایجاد شود تا به مجموعه هایی که نکول (عدم پرداخت بدهی) می کنند و ناترازی مالی در بانکها رقم می زنند، تسهیلات پرداخت نشود. در حال حاضر سمات (سامانه متمرکز اطلاعات تسهیلات و تعهدات بانکی) تا حدودی این اعتبارسنجی انجام می دهد اما سامانه های دیگر در حوزه مالیاتی، چک و ... نیز باید به سمات متصل شوند تا خوش حسابی، اعتبار و قابلیت بالای نقدشوندگی وثایق هر متقاضی تسهیلاتی در بدو امر به اثبات برسد در راستای اصلاح بلند مدت شبکه بانکی و ساختار بانکهای مشکل دار، جدی گرفتن سیاست های احتیاطی خرد هم باید در دستور کار بانک مرکزی قرار گیرد کمیته بال یا بازل (عالی ترین نهاد بین المللی درگیر نظارت بانکی) سیاستهایی را به بانکهای سراسر جهان ابلاغ کرده که بر این اساس بانکها نمی توانند بیش از حد مشخصی (نسبت به سرمایه پایه خود) تسهیلات بدهند و لازم است حد قابل قبولی از کفایت سرمایه را داشته باشند.

۶-۷- تبدیل دارایی سمی به مولد؛ راهکار اصلاح عمیق و ماندگار

برای حل ریشه ای، عمیق و ماندگار ناترازی بانکی باید تا جایی که ممکن است دارایی های سمی و غیرمولد بانکها به مولد تبدیل شود. می توان بخشی از این مولدسازی را مانند بانکهای بزرگ جهان از محل سپرده های مردم هم انجام داد اما در ایران به دلیل اینکه حاکمیت سرمایه اجتماعی لازم را ندارد و صاحبان سپرده معترض خواهند شد، امکان انجام این مولدسازی وجود ندارد و در حال حاضر ولو با افزایش پایه پولی، این سپرده ها از سوی شبکه بانکی تضمین می شود شیوه ای دیگر برای به حداقل رساندن سهم دارایی های سمی و موهوم بانکها و جبران ناترازی، کمک گرفتن از دارایی های دولت است اما این راهکار در کوتاه مدت و میان مدت امکان پذیر نیست. او اضافه می کند: دولت هنوز دارایی های خود را به درستی شناسایی نکرده که آن را ارزش گذاری کند و به شبکه بانکی بدهد تا به جای طلب مردم در سمت دارایی های بانکها قرار گیرد. تنها راهکاری که در کوتاه مدت پاسخگوست اینکه برخی پروژه های سود ده کوتاه مدت در حوزه کربور، پتروشیمی، راه و ساختمان و ... از طرف دولت تعریف شود تا بانکها یا مستقما در سرمایه گذاری کنند یا هدایت اعتبار داشته باشند و پس از ۵ تا ۱۰ سال ترازنامه بانکها و سهم دارایی های مولد به قدری بزرگ شود که سهم دارایی های سمی و موهوم (تسهیلات معوق شده و سرمایه گذاریهایی که وجود خارجی ندارد) به کمترین میزان ممکن برسد (عباسپور، ۱۴۰۲).

کنترل رشد مقداری ترازنامه ها: کنترل رشد ترازنامه ای، شیوه نظارتی است که به واسطه آن خلق نقدینگی بانکها در کنترل بانک مرکزی قرار می گیرد و در ادامه می توان انتظار داشت که رشد نقدینگی در رقم های کنترل شده تری قرار گیرد. در صورت ادامه سیاست دولت به عدم استقراض از بانک مرکزی و کنترل ترازنامه بانکها می توان انتظار داشت نرخ تورم که در روزهای اخیر از شتاب رشد آن نیز کاسته شده است، روند کاهشی را دنبال کند. البته در عین حال این پالایش و نظارت بر مدیریت ریسک نقدینگی شبکه بانکی می تواند قدرت شبکه بانکی را در وظیفه اصلی خود که همان واسطه گری وجوه است را بهبود بخشد، چرا که در شرایطی که ترازنامه های بانکها در شرایط سلامت قرار گیرد، ضروری است نیم نگاهی نیز به تخصیص و اعطای اعتبار و منابع به تولید در جهت تأمین سرمایه در گردش بنگاه های تولیدی داشت (صالح آبادی، ۱۴۰۰).

لزوم رعایت ضوابط حاکمیت شرکتی در بانکها: سب ضوابط حاکمیت شرکتی، سهامداری در بانکها باید محدود باشد تا افراد نتوانند بیش از درصد مشخصی از سهام یک بانک را داشته باشند؛ زیرا مالکیت ذی نفع واحد موجب شده است بانکها هم اکنون بخش عمده اعتبارات خود را به شرکتهای مورد نظر مالکان خود اختصاص دهند در چنین شرایطی تصمیم گیران بانک مرکزی و سیاست گذاران باید به موضوع قاعده گذاری در اعطای وام و تسهیلات توجه ویژه داشته باشند و ترتیبی اتخاذ کنند که پرداخت وام و تسهیلات کلان حتما با نظارت دقیق و تأیید اعتبار متقاضی و نظارت بانک مرکزی صورت گیرد؛ چرا که وقتی اعتبارات زیادی بدون نظارت و با احتمال بازگشت پایین از سیستم بانکی خارج شود، شبکه بانکی برای تأمین ناترازی خود مجبور به اضافه برداشت از بانک مرکزی خواهد شد و این امر منجر به خلق پول می شود (رضوی پور، ۱۴۰۲).

ضرورت ایجاد هم گرایی در روح آیین نامه های تولیدی و دستورالعملهای نظام پولی کشور: بالا بودن نرخ بهره و وجود بی شمار دستورالعمل و آیین نامه های متفاوت از مشکلات نظام پولی کشور است، بطوریکه در اصلاح نظام بانکی علاوه بر در نظر گرفتن استقلال بانک مرکزی باید زمینه هم گرایی در آیین نامه ها هم فراهم شود که در اینجا منظور از استقلال بانک مرکزی به این معنا است که بانک مرکزی بتواند سیاستهای پولی و اعتباری را فارغ از هرگونه فشار سیاسی و بر اساس اهداف و مصالح تنظیم و

اجرا کند و تا زمانی که آیین نامه ها از هر سو بر عملکرد شبکه بانکی تاثیر گذار است نمی توان امیدی بر استقلال بانک مرکزی داشت (نادری، ۱۳۹۸).

لزوم اصلاح دارایی های نامرتب با فعالیت بانکی: گر با این تصمیم بانک مرکزی بانک ها به ماهیت اصلی خود بازگشته و بانکداری به معنای واقعی انجام دهند؛ دارایی های مازاد و فعالیت هایی که ارتباطی با بانکداری ندارد را اصلاح کرده و از آن خارج شوند و منابعی که در این فعالیت ها بلوکه کرده اند را به پول، اعتبار و اوراق تبدیل کنند، ترازنامه بسیاری از آنها اصلاح می شود تاکنون هیچ اهرم فشاری از سوی سیاست گذار بر بانک ها وجود نداشته که همین موضوع منجر به منجمد شدن دارایی ها و نقدینگی بانک ها در فعالیت های غیر مولد شده است (مهرپور، ۱۴۰۲) مساله خلق پول صرفا مساله نظام بانکی ایران نیست چرا که یکی از فعالیت های بانک ها در تمام دنیا، خلق پول است، پس خلق پول به خودی خود بد نیست، زمانی که خلق پول به سمت نظام بانکی نمی رود آغاز نگرانی هاست خلق پولی که صرف فعالیت های مولد نمی شود نگران کننده است، یعنی خلق پول در نظام بانکی که به بنگاه های وابسته و شرکت های ذی نفع داده شود نگران کننده است در حالی که اگر صرف فعالیت های مولد ارزش آفرین برای اقتصاد ملی شود از بسیاری جهات مفید است (زنگنه، ۱۴۰۲).

۷- راه حل به جای یک نسخه تک خطی

۱- مجموع موارد ذکر شده نشان می دهد مشکلات نظام بانکی ایران، نه در لایه مالکیتی که در لایه عملکردی وجود داشته و راه حل هایی نظیر سلب مالکیت خصوصی و تجمیع و ادغام تمام بانک ها در یک بانک، نه تنها راه حل خروج از وضعیت فعلی نبوده بلکه با افزایش پیچیدگی ذی نفعان دخیل و کاهش درجه آزادی تشخیص آن، پاسخی به مشکلات فنی نمی دهد و این زخم همچنان سرباز می ماند؛ اما نگاه فنی و علمی به این موضوع نشان می دهد مسیر حل مشکلات فعلی از: ۱- به نقش آفرینی بانک مرکزی قدرتمند و دارای ابزارهای نظارتی به روز که در مواقع لزوم بدون مداخلات از این ابزارها استفاده می کند، نیاز است تا ارتباط و نفوذ ذی نفعان قدرتمند خصوصا در بخش خصوصی را شناسایی کرده و این مسیر را مسدود سازد، چنانکه برخی افراد جهت برآوردن منافع شخصی خود بانک تاسیس نکنند. از سوی دیگر برخورد با بانک های فعلی نیز مساله ای است که به نظر می رسد به تابویی پیچیده تبدیل شده، چنانکه بانک مرکزی در هر صورت در حال پشتیبانی از شبکه بانکی بوده و چه بهتر این پشتیبانی اگر قرار است وجود داشته باشد در راستای سالم سازی نظام بانکی انجام شود، نه در ادامه وضعیت بحرانی فعلی که با گذشت زمان تنها هزینه برخورد را افزایش می دهد. این رویکرد نیز می تواند به صورت های مختلفی اعم از ادغام، تجمیع، انحلال و... در یک برنامه میان مدت دو تا سه ساله صورت گیرد، چنانکه تجربه ادغام بانک های نظامی نشان داد این موضوع شدنی و بدون تبعات اجتماعی نیز می تواند صورت گیرد.

۲- مساله دیگر به رابطه دولت با شبکه بانکی برمی گردد، چنانکه وضعیت مطلوب آن است که دولت تامین مالی خود را از بانک ها انجام ندهد که لازمه آن نیز حل مشکل کسری بودجه است؛ یعنی وضعیتی حاصل شود که دولت قصد پوشش کسری بودجه را از شبکه بانکی نداشته باشد و بانک مرکزی نیز به عنوان نهاد ناظر بر شبکه بانکی اجازه این کار و شرایطی را که منتهی به تامین مالی دولت از بانک ها می شود را مسدود کند. لذا مساله حل کسری بودجه با توجه به اهمیت آن در ادبیات سیاست گذاری کشور و موازی با اقدامات عملی در ساماندهی شبکه بانکی مورد توجه قرار گیرد.

۳- مورد سوم، جلوگیری از ایجاد تعهدات دولتی با منابع موهومی است که با احکام بودجه ای و فرابودجه ای تعهدات سنگینی را بر دوش بانک ها می گذارد. تعهداتی که اغلب آنها به واسطه فرابودجه ای بودن، آثار مالی آن در قانون بودجه برای عموم مردم و رسانه ها قابل تشخیص نیست اما بار مالی برای دولت دارد که دولت نیز آثار آنها را متوجه نظام بانکی کرده و اغلب تعهدات خود را به موقع ایفا نکرده و زمینه ناترازی را در بانک های عمدتا دولتی فراهم می کند.

از این رو و به گواه آمار و واقعیت های اقتصادی، هم اکنون نیز بانک های خصوصی با عملکرد مناسبی در کنار بانک های دولتی وجود دارند که حتی در مواردی وضعیتی بهتر از بانک های دولتی داشته و در امور مولد و حقیقی اقتصاد ورود کرده اند اما ممکن است به همان دلیل گسترده نبودن پوشش و مطالبه گری بانک مرکزی، در حرکت به سمت اصابت خدمات مالی به عامه مردم خصوصا اقشار ضعیف ضعف هایی داشته باشند که راهکار قطعا در اصلاح رویه آنان است نه در نابودی ساختار. از این رو با توجه به مطالب گفته شده و اطلاعاتی که در ادامه گزارش به آن اشاره می شود باید گفت راه حل مشکل نظام بانکی، نه جبری و تک خطی است و نه به معنای بی توجهی به وضعیت ناکارآمد برخی از بانک های حاضر در شبکه بانکی است، بلکه از رهگذر اصلاح ساختاری آن می گذرد (رادار اقتصاد، ۱۴۰۲). اصلاح ساختار نظام بانکی تا زمانی که ترازنامه بانک ها معیوب است، محقق نخواهد شد. سال ۱۴۰۲ همچنان این از این قاعده مستثنا نیست. ناترازی موجود در بانک ها احتمالا اقتصاد را در سال جاری هم به سمت استقراض سوق خواهد داد. از سوی دیگر، در شرایطی که بانک ها با کمبود منابع برای پرداخت وام های مختلفی مثل ازدواج، ودیعه مسکن، خرید کالا و... مواجه اند، دولت سیزدهم دستور داد تا بانک ها تسهیلات دهی به مردم را تسهیل کنند. رشد تسهیلات تکلیفی از سوی دولت به بانک ها این نهادها را نیازمندتر از گذشته کرده و موجب شده تا بدهی این بخش بالا برود. از سوی دیگر افت خالص بدهی دولتی نیز می تواند ناشی از رشد سپرده ها و فروش بیشتر اوراق بدهی دولت باشد. این در حالی بود که در سال ۱۴۰۱ بانک ها به دلیل کمبود منابع اقدام به اضافه برداشت از بانک مرکزی می کردند تا امورات جاری خود را بگذرانند. در چنین شرایطی پر بیراه

نیست اگر سال جاری را سال افزایش فشار بر شبکه بانکی کشور بنامیم و برای آینده این بنگاه‌های اقتصادی مؤثر در اقتصاد ایران، نگرانی داشته باشی (حاتمی یزد، ۱۴۰۱). از طرفی با بررسی راهکارهای مقرراتی و اجرایی توقف و ورشکستگی بانکی، مسئله آسیب شناسی نظام بانکی و رفع ایرادات مرتبط با اساس نامه صندوق ضمانت سپرده‌ها بررسی شد و از تدوین مقرراتی خاص پیرامون نحوه ایجاد و اداره هلدینگ‌های بانکی و نحوه افزایش مقیاس بانک‌ها به شکل عمومی و تدوین مقررات خاص برای کوچک شدن مقیاس بانک‌هایی که به صورت مداوم شاخص‌های مناسب مالی ندارند، در جایگاه راهکارهای مقرراتی برای بازسازی مالی نظام بانکی نام برده شده است، همین طور راهبرد تبدیل کردن دارایی‌های غیرنقد به اوراق بهادار در قالب انتشار صکوک میان مدت توسط دولت از محل بدهی‌های خود به سیستم بانکی، پیگیری کارآمد برنامه‌های فروش دارایی‌های مازاد، کاهش تعداد شعب بانک‌های فاقد نسبت‌های مناسب مالی، الزام بانک‌ها به کاهش حجم بنگاه داری و سوق دادن بانک‌ها به بهره‌برداری از شعب مشترک برای کاهش هزینه‌های عملیاتی، راهکارهایی اجرایی هستند که برای اصلاح نظام بانکی پیشنهاد شده است (عزیزنژاد و همکاران، ۱۳۹۸: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۵). با بررسی نسبت مطالبات معوق به کل تسهیلات پرداختی و روند روبه رشد آن و پس از بررسی تجارب داخلی و خارجی درباره دلایل و راههای مقابله با معضل مطالبات معوق و انجام پژوهش‌های میدانی، بیش از سی عامل در بروز مطالبات معوق شناسایی و نتیجه گرفته شد که در نظام بانکی ایران، نقش عوامل درون سازمانی در شکل‌گیری معوقات، از عوامل برون سازمانی بیشتر است. بیش از سی راهکار برای مقابله با این معضل ارائه شد که برخی از آنها عبارتند از: تشکیل سید دارایی بهینه از دارایی‌های بانک، رتبه‌بندی اعتباری مشتریان، بازنگری در نظام اعطای تسهیلات و نظارت بر طرح‌ها، کنترل بر وام‌های کلان، اخذ وثیقه‌های معتبرهای معتبر، توجه جدی به مدیریت ریسک اعتباری، منوط کردن اعطای تسهیلات به مدارک مستند و حساسی شده و واگذاری پرونده‌های خاص به شرکت‌های ساماندهی مطالبات معوق (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۱). با الهام از درس‌های بحران مالی سال ۲۰۰۸ و با اندیشه در آسیب‌های نظام بانکداری، درس‌هایی برای بانکداری ایران ارائه شده است که از آن جمله کاهش سهم بانک‌ها در نظام تأمین مالی کشور، مقررات زدایی با تأکید بر حذف مقررات غیر احتیاطی، مداخله گرانه و پالایش و گسترش مقررات احتیاطی، افزایش نقدینگی دارایی بانک‌ها به منظور کاهش آسیب‌پذیری آنها در برابر شوک‌های نقدینگی، سخت‌گیری درباره لزوم پایبندی بانک‌ها به نسبت کفایت سرمایه، لزوم درجه بندی بانک‌ها و به دنبال آن تنزل درجه بانک‌هایی که از نظر احتیاطی ریسک‌آفرینند، لزوم تعیین رژیم حقوق ورشکستگی بانک‌ها، لزوم تهیه چارچوبی برای انحلال و احیای بانک‌ها لزوم تأسیس نهادهای مکمل شامل اتاق‌های پایا پای مدرن، شرکت‌های مدیریت دارایی و شرکت‌های رتبه‌بندی اعتبار و لزوم تجهیز واحدهای مدیریت و ریسک بانک‌ها از حیث دانش فنی، نیروی انسانی و نرم افزار است (نیلی و محمود زاده، ۱۳۹۲).

۸- روش پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی راهکارهای اصلاحی جهت حل مشکلات نظام مالی بانک‌ها یعنی ناترازی بانک‌ها و رفع پیامد توری آن در نظام بانکی ایران است در مرحله نخست پژوهش مشکلات نظام بانکی براساس مطالعات صورت گرفته در بانک مرکزی ایران و اطلاعات ارائه شده، به طور کلی بررسی شد. در مرحله بعد بر اساس بررسی مطالعات بین‌المللی و داخلی انجام شده در قالب کتاب‌های دانشگاهی، مقالات متعدد علمی ژورنال‌های آنالیزگر اقتصاد ایران و اسناد موجود در کشور مهم ترین راهکارها و روش‌های بازسازی مالی و اصلاح نظام مالی بانک‌ها شناسایی شد سپس با روش دلفی و اجرا کردن دو مرحله‌ای، توافق درباره اجرایی‌ترین راهکار حاصل شد. دلفی رویکرد یا روشی سیستماتیک در پژوهش، برای استخراج نظرات از گروهی کارشناس درباره موضوع یا سؤالی یا رسیدن به اجماع گروهی از طریق تعدادی راندهای پرسشنامه‌ای با حفظ گم نامی پاسخ دهندگان و بازخورد نظرات به اعضای گروه است (احمدی، نصیریانی و اباذری، ۱۳۸۷). این پژوهش از نوع کمی، کاربردی و نتیجه‌گرا است. روش پژوهش، مطابق شکل ۴، ترکیب دو روش کتابخانه‌ای و دلفی است. کیفیت نتیجه روش دلفی، به انتخاب صحیح تیم مرجع و گروه خبرگان بستگی دارد؛ بنابراین برای انتخاب تیم مرجع، کارشناسان خبره بانکی شامل بانک دولتی، غیر دولتی، تخصصی، تجاری و یک مؤسسه اعتباری غیر بانکی دعوت شدند. سپس با مشورت تیم مرجع پنج نفره، پنج گروه از خبرگان انتخاب شدند. در انتخاب خبرگان توجه شد که کارشناسان حوزه‌های مختلف علمی مرتبط حضور داشته باشند تا کیفیت بار علمی و اجرایی، محتوای راه کارهای پیشنهادی افزایش یابد. در انتخاب این گروه‌ها توجه خاص به این موضوع وجود داشت که در بیشتر مطالعات بر مبنای روش دلفی از گروه‌های داوری دست کم ۱۰ نفر استفاده می‌شود. با این پیش فرض که حدود ۳۰ تا ۸۰ درصد مدعوین در مطالعه شرکت خواهند کرد، ضمن اینکه توجه به انصراف اعضا حین انجام مطالعه با این روش، ضروری است. بیشترین میزان افت پاسخ‌ها، به طور معمول در دور اول اتفاق می‌افتد، بنابراین ابتدا سه نفر از هر یک از گروه‌های پنج‌گانه انتخاب شدند که با ریزش رخ داده در هر مرحله، این تعداد به ۶ نفر کاهش یافت. از این تعداد سه نفر دارای مدرک دکتری و سه نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد مرتبط بودند. در ضمن میانگین سابقه اجرایی این افراد در نظام بانکی حدود ۲۴ سال برآورد شد. طی دو مرتبه اجرای روش دلفی، خبرگان به فهرست ارائه شده در هر مرحله، امتیازی بین یک تا پنج اختصاص می‌دادند و در هر مرحله نیز، پیشنهادهای اصلاحی خود را ارائه می‌کردند. این پیشنهادها در هر مرحله بعد به رأی خبرگان گذاشته شد تا در صورت تأیید، در فهرست دور بعد اعمال شود. در جدول ۴، بخشی از شاخص‌های آماری مرتبط با مرحله‌های مختلف دلفی نشان داده شده است.

مرحله اول: روش پژوهش کتابخانه‌ای و مرور ادبیات مربوط		مرحله دوم: روش پژوهش کمی با همکاری گروه خبرگان (دومرحله‌ای)	
روش کار: بررسی راهکارهای موجود و مطالعه عمیق ادبیات داخلی و بین المللی	نتیجه: استخراج فهرست اولیه راهکارهای اجرایی	روش کار: اصلاح فهرست راهکارهای اجرایی با نظرات خبرگان	نتیجه: استخراج فهرست نهایی راهکارهای اجرایی

شکل (۴) مدل شماتیک روش پژوهش

جدول (۴) شاخص‌های آماری اجرای دلفی دو مرحله‌ای

شاخص	دلفی اول	دلفی دوم
تعداد پیشنهاد اصلاح یا افزودن برای اعمال در مرحله بعدی	۶	۰
تعداد راهکارها	۲۶	۳۲
میانگین امتیازات	۳/۱	۰,۴/۴۱
درصد توافق	۵۹	۰/۸۸
تغییر در توافق	+۵۹	+۲۶

ملاک خاتمه مرحله های دلفی، ارائه نکردن پیشنهادهای جدید از سوی خبرگان با تحقق بیش از ۶۰ درصد توافق میان خبرگان است. با توجه به اینکه، در مرحله دوم هر دو شرط ذکر شده حاصل شد و خبرگان فهرست نهایی را با امتیاز ۸۸ درصد تأیید کردند، مراحل روش دلفی به اتمام رسید و فهرست ۳۲ راهکار اجرایی، نتیجه نهایی پژوهش شناخته شد. از آنجا که اعضای شرکت کننده در مطالعه، نماینده گروه و حوزه دانش تخصصی بانکداری بودند اعتبار محتوی و روایی آن تضمین می شود (احمدی و همکاران، ۱۳۸۷).

۹- یافته‌ها

فهرست نهایی مستخرج از روش دلفی شامل ۳۲ راهکار اجرایی برای اصلاح و رفع ناترازی موجود در شبکه بانکی کشور ایران است. این راهکارها در جدول شماره ۴ به تفکیک شش دسته بندی انجام شده شامل: الزام بانکها به لحاظ رعایت شاخص کفایت سرمایه، اصلاح نظام کارمزدها و تعرفه های کارمزدی در شبکه بانکی، افزایش نظارت توسط بانک مرکزی در هدایت هدفمند شبکه بانکی، افزایش استقلال بانک مرکزی و لزوم بازنگری در نحوه تعامل دولتهای مختلف با شبکه بانکی، اجرای برنامه انحلال یا ادغام بانکهای فاقد عملکرد مالی مناسب با تاثیر منفی بر شبکه بانکی کشور، تبدیل دارائی های سمی غیر مولد بانکها به دارائی های مولد و جبران ناترازی، آورده شده اند. در این میان راهکار (بررسی مداوم نسبت تسهیلات غیر جاری بانکها به کل تسهیلات پرداختی آنها (NPL) و همینطور رصد مداوم نسبت تسهیلات مشکوک الوصول به کل تسهیلات غیر جاری) در کنار راهکار (ارائه محصولات کارمزد محور با رویکرد خدماتی؛ با جذابیت بالا برای مشتری، مثل خطوط اعتبار اسنادی (L/C)؛ صدور ضمانت نامه بانکی؛ صدور سفته الکترونیکی و...) به ترتیب با ۹۰ و ۸۹ درصد، بیشترین میزان توافق را در میان خبرگان کسب کردند و بعنوان مهمترین اقدام و راهکارهای اجرایی برای اصلاح و برون رفت از ناترازی نظام بانکی شناخته شدند. در سایر دسته ها از جمله افزایش نظارت قانونی الزام آورتوسط بانک مرکزی، در هدایت هدفمند شبکه بانکی، راهکار (بررسی و رصد رعایت یا عدم رعایت سیاستهای احتیاطی خرد (مورد تایید کمیته بال (بازل) توسط بانکها) با ۷۸ درصد، در دسته، تبدیل دارائی های سمی غیر مولد بانکها به دارائی های مولد، راهکار (تعریف پروژه های سود ده کوتاه مدت در حوزه کریدور، پتروشیمی، راه و ساختمان برای سرمایه گذاری یا هدایت اعتباری هوشمند بانک ها توسط دولت) با ۸۴ درصد، در دسته افزایش استقلال بانک مرکزی و لزوم بازنگری در نحوه تعامل دولتهای مختلف با شبکه بانکی، راهکار (تامین داخلی بنگاه ها از طریق پیگیری مالیات بر سود تقسیمی و کاهش همزمان نرخ مالیات بر سود شرکتها به جای توزیع حداکثری یارانه های تکلیفی به بنگاه های تولیدی) با ۸۸ درصد و در دسته اجرای برنامه انحلال یا ادغام بانکهای فاقد عملکرد مالی مناسب با تاثیر منفی بر شبکه بانکی کشور راهکار (در اختیار قرار گرفتن اداره امور بانک ها و مؤسسات اعتباری با زیان انباشته و اضافه برداشت بالا از طریق تعیین هیئت سرپرستی) با ۷۴ درصد بیشترین میزان توافق را در میان خبرگان کسب کردند بطور کلی راهکارهای ذیل دسته بندی (الزام بانکها به لحاظ رعایت شاخص کفایت سرمایه) بطور متوسط ۸۲/۵ درصد از توافق خبرگان را کسب کردند که به نظر می رسد از نظر خبرگان مهمترین اقدامات برای رفع ناترازی و اصلاح نظام بانکی در ایران باید به اصلاح ساختار بانکی معیوب با رویکرد بهبود شاخص کفایت سرمایه؛ معطوف گردد.

جدول (۴)

دسته بندی راهکارها	پیش نیاز اجرای راهکارها در عمل	راهکارهای اجرایی
الزام بانکها به لحاظ	اصلاح ساختار بانکی معیوب	۱- بررسی بانکها بر مبنای قرارگیری یا عدم قرارگیری آنها ذیل ماده ۱۴۱ قانون

رعایت شاخص کفایت سرمایه ۲- بررسی و نظارت توسط بانک مرکزی بر نحوه و کیفیت اعمال محدودیت در پرداخت تسهیلات و ایجاد تعهدات با اشخاص مرتبط توسط بانکهای پرداخت کننده تسهیلات ۳- استقرار نظام حاکمیت شرکتی مطلوب ۴- جلوگیری از اختلال در حلقه های مالی بهم پیوسته شبکه بانکها با بررسی مداوم نسبت تسهیلات غیر جاری بانکها به کل تسهیلات پرداختی آنها (NPL) و همینطور رصد مداوم نسبت تسهیلات مشکوک الوصول به کل تسهیلات غیر جاری ۵- اصلاح ترازنامه بانکها از طریق رفع ناترازی بانکهای تخصصی و دولتی و بررسی عملکرد صورت سود و زیان آنها		
۱- بازنگری و اصلاح در تعرفه کارمزدهای مأخوذه بانکی ۲- متناسب سازی میزان تعرفه کارمزدهای دریافتی در بانکها با بهای تمام شده نگهداری و پایداری سیستم های بانکی ۳- بازتعریف و اصلاح کارمزدهای فعلی بانک ۴- ایجاد سرفصل های کارمزدی جدید با مطمع نظر قراردادن رویکرد خدمات محوری ۵- پوشش هزینه های جاری بانک با تمرکز بر اخذ کارمزد از کلیه خدمات گیرندگان؛ پذیرندگان کارتخوان؛ فروشندگان؛ مصرف کنندگان؛ و خریداران ۶- ارائه محصولات کارمزد محور خدماتی با جذابیت بالا برای مشتری مثل خطوط اعتبار اسنادی (LC)؛ صدور ضمانت نامه بانکی؛ صدور سفته الکترونیکی و...	بازگشت بانکها از مسیر بنگاه داری به رسالت خدمات محوری	اصلاح نظام کارمزدها و تعرفه های کارمزدی در شبکه بانکی
۱- بررسی و نظارت مداوم بانک مرکزی بر شاخص های مهم بانکی نظیر ریسک نقدی؛ ریسک اعتباری و سایر انواع ریسکها در بانکهای فعال که تبعات عدم رعایت آنها اضافه برداشت است و کفایت سرمایه اندک ۲- بررسی و رصد رعایت یا عدم رعایت سیاستهای احتیاطی خرد (مورد تایید کمیته بال (بازل)) توسط بانکها ۳- کنترل مقداری ترازنامه جهت کنترل خلق نقدینگی بانکها ۴- قاعده گذاری در اعطای وام و تسهیلات بالاخص تایید و تخصیص اعتبارهای کلان با تایید بانک مرکزی ۵- ایجاد، توسعه و ارتقای زیر ساختهای IT به منظور امکان نظارت بر خط و روزآمد بانک مرکزی بر بانکها	ایجاد هم گرایی در روح آیین نامه های تولیدی و دستورالعمل های بانکی در سایه استقلال بانک مرکزی در تعیین و راهبری سیاستهای پولی و اعتباری متناسب با شرایط اقتصادی کشور	افزایش نظارت قانونی الزام آورتوسط بانک مرکزی؛ در هدایت هدفمند شبکه بانکی
۱- ترغیب مشارکت اجتماعی سپرده گذاران در سرمایه گذاری های مولد ۲- کمک گرفتن از دارایی های دولت در بازنشانی دارائی های ارزش گذاری شده دولتی به جای طلب مردم در سمت دارائی های بانکی ۳- تعریف پروژه های سود ده کوتاه مدت در حوزه کریدور، پتروشیمی، راه و ساختمان برای سرمایه گذاری یا هدایت اعتباری هوشمند بانک ها توسط دولت ۴- اصلاح دارائی های نا مرتبط با فعالیت بانکی	توجه به لزوم ایجاد تعهدی الزام آور برای جلوگیری از انحراف بانکها به فعالیتهای بنگاه داری (انجام سرمایه گذاری های پراکنده در فعالیتهای غیر مرتبط بانکی) به جای خدمات محوری	تبدیل دارائی های سمی غیر مولد بانکها به دارائی های مولد و جبران ناترازی
۱- متناسب سازی تسهیلات تکلیفی محوله به بانک ها تا میزان سپرده های غیر سودگیر آنها و تا محدوده کمتر از مانده سرمایه ای آنها ۲- اصلاح سازو کارهای مالی و اقتصادی و روابط مربوطه از جمله یارانه های بانکی به بخش ها مثل تسهیلات تکلیفی حوزه یارانه های انرژی، خرید محصولات کشاورزی، تامین چند درصدی کمک به حق بیمه شاغلان و... ۳- بازنگری و شفاف سازی تبصره مربوط به اقلام فرا بودجه ای که در عین ایجاد تعهد مالی فراوان بدلیل ابهام ذاتی فی النفسه در آنها تعمیق بحران بانکی را دامن زده است ۴- بازخوانی یا بازنگری در برنامه های بانکی در مسیر جهش و رونق تولید ۵- تامین داخلی بنگاه ها از طریق پیگیری مالیات بر سود تقسیمی و کاهش همزمان نرخ مالیات بر سود شرکتها به جای توزیع حداکثری یارانه های تکلیفی به بنگاه های تولیدی	لزوم باز تعریف و اصلاح در بند دوم ماده یکم اهداف نظام بانکی در قانون عملیات بانکی بدون ربا	افزایش استقلال -بانک مرکزی و لزوم بازنگری در نحوه تعامل دولتهای مختلف با شبکه بانکی
۱- تاسیس صندوق تأمین سرمایه خصوصی برای احیای بنگاه های ورشکسته (اجرای برنامه گزیر) ۲- در اختیار قرار گرفتن اداره امور بانک ها و مؤسسات اعتباری با زبان انباشته و اضافه برداشت بالا از طریق تعیین هیئت سرپرستی ۳- انحلال و تصفیه بانک ها و مؤسسات اعتباری با زبان انباشته و اضافه برداشت بالا ۴- نجات نهادهای مالی دارای اهمیت سیستمی از طریق تزریق مشروط سرمایه نقدی به آنها در قبال دریافت سهام ممتاز	۱. بررسی کیفیت دارایی های بانکها به لحاظ نقدشوندگی ۲. بررسی میزان کسری مالی بانکها ۳. بررسی چگونگی رعایت متنوع سازی سرمایه گذاری ها در سبد ریسک سرمایه گذاری؛ برای بانکهایی که قصد ادغام آنها را داریم	اجرای برنامه انحلال یا ادغام بانکهای فاقد عملکرد مالی مناسب با تاثیر منفی بر شبکه بانکی کشور

۱۰- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

براساس تحلیل آماری انجام شده، فهرست راهکارهای اجرایی برای اصلاح ناترازی و رفع پیامدهای تورمی نظام ملی نامناسب بانکی در ایران از بین ۳۲ راهکار شناسایی شده، براساس اطلاعاتی که بانک مرکزی منتشر کرده است و مطالعات عمیق کتابخانه ای منابع داخلی و بین المللی مشخص شد. براساس این تحلیل، الزام بانکها به رعایت شاخص کفایت سرمایه و اصلاح نظام کارمزدها و تعرفه های کارمزدی در شبکه بانکی به ترتیب با کسب میانگین ۸۲/۵ و ۸۱/۷ درصد از موافقت خبرگان مهمترین دسته بندی اقدامات برای برون رفت از ناترازی نظام مالی بانکها در ایران شناخته شدند؛ در حالیکه افزایش استقلال بانک مرکزی و لزوم بازنگری در نحوه تعامل دولتهای مختلف با شبکه بانکی با ۷۹ درصد، افزایش نظارت قانونی الزام آورتوسط بانک مرکزی؛ در هدایت هدفمند شبکه بانکی با ۷۷ درصد، تبدیل دارائی های سمی غیر مولد بانکها به دارائی های مولد و جبران ناترازی با ۷۰ درصد، اجرای برنامه انحلال یا ادغام بانکهای فاقد عملکرد مالی مناسب با تاثیر منفی بر شبکه بانکی کشور با ۶۷ درصد از میزان موافقت خبرگان، در ردیفهای بعدی قرار گرفتند. بدیهی است که میزان عددی موافقت خبرگان، نشان از اولویت این راهکارها بر یکدیگر نیست؛ اما این واقعیت را روشن می سازد که از نظر ایشان مهمترین اقدامات برای برون رفت از ناترازی نظام مالی بانکی ایران، در مقطع کنونی، در وهله اول تمرکز بر رعایت شاخص کفایت سرمایه و اصلاح نظام کارمزدها و تعرفه های کارمزدی در نظام بانکی می باشد و در این باره بررسی مداوم نسبت تسهیلات غیر جاری بانکها به کل تسهیلات پرداختی آنها ((NPL و همینطور رصد مداوم نسبت تسهیلات مشکوک الوصول به کل تسهیلات غیر جاری به منظور برآورد صحیح مطالبات غیر جاری و ارائه تصویری روشن از وضعیت فعلی این نهادهای مالی ضروری است؛ ضمن اینکه ارائه محصولات کارمزد محور با رویکرد خدماتی؛ با جذابیت بالا برای مشتریان، مثل خطوط اعتبار اسنادی (LC)؛ صدور ضمانت نامه بانکی؛ صدور سفته الکترونیکی و... می تواند به منزله برگشت نظام مالی بانک های ایرانی بر روی ریل صحیح رسالت ذاتی کارکردی ایشان یعنی انجام خدمات رسانی باشد؛ بنابراین به نظر می رسد تهیه این گزارش، گام اول یا حتی پیش نیاز انجام اصلاحات نظام بانکی و برون رفت از ناترازی های بانکی باشد راهکار دیگری که در ذیل لزوم رعایت شاخص کفایت سرمایه بیشترین درصد موافقت را کسب کرده است، موضوع بررسی و نظارت توسط بانک مرکزی بر نحوه و کیفیت اعمال محدودیت در پرداخت تسهیلات و ایجاد تعهدات با اشخاص مرتبط توسط بانکهای پرداخت کننده تسهیلات واستقرار نظام حاکمیت شرکتی مطلوب در بانکهاست است. موضوعی که به دلیل استهمال مکرر تسهیلات اعطایی بانک ها، با ابهام بسیار درباره قابلیت اتکای اطلاعات روبرو بوده است. براساس موارد فوق الذکر اشاره شده، اصلاح نظام کارمزدها و تعرفه های کارمزدی در شبکه بانکی، دسته دوم از لحاظ میزان موافقت خبرگان شناخته شد. در این دسته بندی، راهکار، ارائه محصولات کارمزد محور خدماتی با جذابیت بالا برای مشتری مثل خطوط اعتبار اسنادی (LC)؛ صدور ضمانت نامه بانکی؛ صدور سفته الکترونیکی و... پوشش هزینه های جاری بانک با تمرکز بر اخذ کارمزد از کلیه خدمات گیرندگان؛ پذیرندگان کارتخوان؛ فروشندگان؛ مصرف کنندگان؛ و خریداران، بیشتر از سایر راهکارها نظر خبرگان را به خود جلب کرده است. در دسته سوم یعنی افزایش استقلال بانک مرکزی و لزوم بازنگری در نحوه تعامل دولتهای مختلف با شبکه بانکی با تاکید بر افزایش استقلال، اختیارات و اقتدار حوزه نظارت بانک مرکزی ضرورت افزایش استقلال بانک مرکزی را بیش از پیش تبیین می کند. چراکه عدم استقلال منجر به انفعال و عدم تصمیم گیری صحیح و به موقع این نهاد می شود. مسئله ای که ردپای آن در مشکلات پیش آمده برای برخی از موسسات مالی غیر مجاز جستجو می شود. در دسته چهارم افزایش نظارت قانونی الزام آورتوسط بانک مرکزی؛ در هدایت هدفمند شبکه بانکی، مهمترین راهکارهایی که توجه خبرگان را جلب کرد، بررسی و رصد رعایت یا عدم رعایت سیاستهای احتیاطی خرد (مورد تایید کمیته بال (بازل)) توسط بانکها در کنار راهکار نظارت مداوم بانک مرکزی بر شاخص های مهم بانکی نظیر ریسک نقدی؛ ریسک اعتباری و سایر انواع ریسکها در بانکهای فعال بود. در دسته پنجم تبدیل دارائی های سمی غیر مولد بانکها به دارائی های مولد و جبران ناترازی، مهمترین راهکار، تعریف پروژه های سود ده کوتاه مدت در حوزه کریدور، پتروشیمی، راه و ساختمان برای سرمایه گذاری یا هدایت اعتباری هوشمند بانک ها توسط دولت در کنار راهکار، کمک گرفتن از دارایی های دولت در بازنشانی دارائی های ارزش گذاری شده دولتی به جای طلب مردم در سمت دارائی های بانکی بیشترین توجه خبرگان را به خود جلب کرد. در نهایت در دسته ششم، اجرای برنامه انحلال یا ادغام بانکهای فاقد عملکرد مالی مناسب با تاثیر منفی بر شبکه بانکی کشور، مهمترین راهکار، تاسیس صندوق تأمین سرمایه خصوصی برای احیای بنگاه های ورشکسته (اجرای برنامه گزیر) و در اختیار قرار گرفتن اداره امور بانک ها و مؤسسات اعتباری با زبان انباشته و اضافه برداشت بالا از طریق تعیین هیئت سرپرستی بود.

در این سطح ایجاد نهاد متولی اجرای برنامه گزیر بانک ها بر اساس الگوی های بین المللی بیشترین موافقت را کسب کرده است. الگوهای بین المللی تبیین می کنند که وظیفه اجرای برنامه گزیر، عموماً بر عهده صندوق های ضمانت (بیمه) سپرده ها است. براساس شرایط مقرراتی کنونی کشور، اساس نامه این صندوق در ایران، وظیفه اجرای این برنامه ها را پیش بینی نکرده است، پس به طور پیش فرض مسئولیت این امر به بانک مرکزی محول شده است. این در حالی است که تجربه بحران دهه ۱۹۸۰ در ایالات متحده آمریکا نشان می دهد در شرایط بحرانی حتی شرکت بیمه سپرده فدرال نتوانسته است این برنامه را به صورت کامل برای تمام بانک ها تعریف و اجرا کند، پس به طور مشخص نهادی با نام شرکت متولی انحلال و ساماندهی مؤسسات مالی ورشکسته تأسیس می شود که مسئولیت سامان دهی این بانک ها و مؤسسات را بر عهده بگیرند (بوونزی، ۲۰۱۵).

این موضوع روشن می شود که بانک مرکزی و سایر نهادهای نظارتی پولی و بانکی باید با استفاده از استقلال خود و در نظر گرفتن شرایط اقتصادی کشور، نسبت به تصمیم گیری برای انحلال و تصفیه به موقع این نهادها، پیش از تبدیل بحران های مالی به بحران های اجتماعی، مبادرت کنند. راهکار دیگر در این دسته بندی، در اختیار گرفتن اداره امور بانک ها و مؤسسات اعتباری با شرایط زیان انباشته و اضافه برداشت بالا از طریق تعیین هیئت سرپرستی است. این راهکار را به دلیل میزان موافقت ۶۰ درصدی خبرگان، ضعیف ترین راهکار در نظر گرفته می شود، اما اگر به صورت هدفمند و با ارائه برنامه های صحیح از طرف هیئت سرپرستی انجام شود، ممکن است راه گشا باشد، همانطور که در شرایط کنونی نیز براساس تصمیم گیری شوراهای راهبردی ذی ربط، موضوع اداره برخی مؤسسات اعتباری را هیئت سرپرستی براساس ظرفیت های اشاره شده در ماده ۳۹ قانون پولی بانکی به تصویب و اجرا رسانده است. نکته مهم براساس این پژوهش آن است که راهکار ادغام بانک ها و مؤسسات اعتباری دارای زیان انباشته و اضافه برداشت بالا در یکدیگر، در جایگاه راهکار اجرایی صحیح به تأیید خبرگان نرسیده است. موضوعی که بر خلاف برخی تصمیم های اتخاذ شده، ضرورت بررسی علمی و دقیق تر را به هنگام تصمیم گیری در این حوزه آشکار می سازد.

در پایان پیشنهاد می شود هر یک از راهکارهای شناسایی شده، در پژوهش های کمی به صورت عمیق مطالعه شود و گامی مؤثر در راستای پیاده سازی هر یک از این راهکارها در نظام بانکی کشور برداشته شود. اولویت بندی راهکارهای ذکر شده نیز به تهیه نقشه راهی کاملاً اجرایی برای برون رفت از شرایط کنونی نظام بانکی کشور منجر می شود.

منابع

۱. احمدی، ف. نصیریانی، خ. و اباضری، پ. (۱۳۸۷). تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۸(۱)، ۱۷۵-۱۸۵.
۲. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۸). گزارش ماهانه، ۹۷(۱۲)، ۱-۶.
۳. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۱). صورتهای مالی ۶ ماهه سال. (۱۴۰۱).
۴. بت شکن، م. ه. و عبداللهی پور، محمدصادق. (۱۳۹۹). راهکارهای بازسازی مالی بانکها در ایران. فصلنامه علمی مدیریت دارایی و تامین مالی، ۴(۳۱).
۵. بت شکن، م. ه. (۱۳۹۷). ساختار دهی مجدد به سیستم بانکی. پانزدهمین کنفرانس بین المللی مدیریت، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. بهمنی، محمود. (۱۴۰۲، ۱۷). از بین بردن ناترازیهای نظام بانکی در برنامه هفتم توسعه. رسانه خبری بین المللی قرآنی. برگرفته از: <https://iqna.ir>
۷. پایگاه خبری تحلیلی رادار اقتصاد. (۱۴۰۲، ۱۶). فروردین ماه. ردپای بانکهای ناسالم در زیان سازی. برگرفته از: <https://www.radareghtesad.ir>
۸. پور ابراهیمی، محمد رضا. (۱۴۰۲، ۱۶). فروردین ماه. اقتصاد ایران؛ سرگذشت ۱۴۰۱ و چشم انداز ۱۴۰۲ - اصلاحات بانکی. نشریه اتاق ایران آنلاین برگرفته از: otaghiranonline.ir
۹. جمور، محمد. (۱۴۰۲، ۹). خرداد ماه. رابطه نقدینگی و تورم غیرقابل انکار. رسانه قدس آنلاین. برگرفته از: <https://qudsonline.ir>
۱۰. حاتمی یزد، احمد. (۱۴۰۲، ۱۶). فروردین ماه. اقتصاد ایران؛ سرگذشت ۱۴۰۱ و چشم انداز ۱۴۰۲ - اصلاحات بانکی. نشریه اتاق ایران آنلاین برگرفته از: otaghiranonline.ir
۱۱. خاندوزی، سیداحسان. (۱۴۰۲، ۱۰). دی ماه. ۵ گام در مسیر اصلاحات بانکی. خبرگزاری فارس. برگرفته از: <https://www.farsnews.ir/economy/banking>
۱۲. رضوی پور، سیدحسین. (۱۴۰۲، ۱۳). تیرماه. ناترازی بانکهای خصوصی در سایه ضعف نظارت. رسانه تحریریه. برگرفته از: www.tahririeh.com/new
۱۳. زنگنه، ایمان. (۲۷ خرداد ماه ۱۴۰۲). ضرورت افزایش کارمزد برای جبران بخشی از ناترازی بانکها. رسانه خبری آرمان اقتصاد. برگرفته از: <https://armaneghtesadi.com>
۱۴. سیحانپان، محمد هادی. (۱۴۰۲). بررسی ریشه های تورم در اقتصاد کشور و اثرات مهار تورم در رشد سرمایه گذاری خارجی. رسانه تحلیلی نخبگان برگرفته از: KHAMENEI.IR
۱۵. سروش، ابوذر. (۱۴۰۲، ۴). اردیبهشت ماه. برنامه های بانک مرکزی برای اصلاح ناترازی بانک ها. رسانه اخبار پولی و مالی. برگرفته از: <https://polimalinews.ir>
۱۶. صالح آبادی، علی. (۲۱ آذر ماه). کنترل رشد مقداری ترازنامه بانکها. رسانه ایرانا. برگرفته از: <https://irna.ir>
۱۷. عباسپور، عباس. (۱۴۰۲، ۱۱). تیرماه. حل ریشه ای، عمیق و ماندگار ناترازی بانکی. رسانه قدس آنلاین. برگرفته از: <https://qudsonline.ir>
۱۸. علامه راد، علی. (۱۴۰۲، ۱۷). تیرماه. تاسیس صندوق تامین سرمایه خصوصی برای احیای بنگاه های ورشکسته. روزنامه دنیای اقتصاد. برگرفته از www.donya-eqtasat.com

۱۹. فرزانی، حجت الله. (۱۴۰۰، ۲۳). لزوم اصلاح نظام بانکی. شبکه خبری اقتصادوبانک ایران برگرفته از: <https://www.ibena.ir/000WPM>
۲۰. فرزین، محمدرضا. (۱۴۰۲، ۱۶). اقتصاد ایران؛ سرگذشت ۱۴۰۱ و چشم‌انداز ۱۴۰۲ - اصلاحات بانکی. نشریه اتاق ایران آنلاین برگرفته از: otaghiranonline.ir
۲۱. کاظمی، ناصر. (۱۴۰۲، ۱۳). اصلاح نظام کارمدها. شبکه خبری اقتصادوبانک ایران برگرفته از: <https://www.ibena.ir>
۲۲. مهرپور، میثم. (۱۴۰۲، ۱۷). رفع ناترازی بانک‌ها یک اقدام انقلابی است. رسانه خبری سرمایه گستران. برگرفته از: <https://sarmayehgostaran.ir>
۲۳. نادری، شهاب. (۱۳۹۸، ۱۳). اصلاح نظام بانکی. رسانه خبری بانک و بیمه "بینا". برگرفته از: <https://www.bina.ir>
۲۴. ندی، کامران. (۱۴۰۱). اصلاح ساختار نظام بانکی. سازمان عمران کرمان. برگرفته از: www.kdo.ir
۲۵. نشریه پایگاه تحلیلی الفباخبر. (۱۴۰۲، ۱۶). منظور از ناترازی در یک اقتصاد برگرفته از ALEFBAKHABAR.COM
۲۶. نشریه پایگاه تحلیلی الفباخبر. (۱۴۰۲، ۱۶). منظور از ناترازی در یک اقتصاد برگرفته از ALEFBAKHABAR.COM
27. International Monetary Fund (2018). The Road Map Of Bank Restructuring And Resolution Plan. IMF Publication.
28. Kozinska, M. (2018). Resolution tools in the opinion of EU resolution authorities. Journal of finance. 11(1); 68-88. DOI: 10.24425/finance.2018.125392.
29. Mazarei, A. (2019). Iran has a slow motion banking crisis. Peterson Institute for International Economics.
30. Alexander, K. (2009). Bank resolution regimes: Balancing prudential regulation and shareholder rights. Journal of Corporate Law Studies. 9(1): 61 -93. DOI: 10.5167 / uzh-71494.
31. Bengtsson, E. (2013). Shadow banking and financial stability: European money market funds in the global financial crisis. Journal of International Money and Finance. 32:579-594. DOI: 10.2139/ssrn. 1772746.
32. Bank of England (2014). Implementing the Bank Recovery And Resolution Directive. London: Consultation Paper. cp 13/14.
33. Bovenzi, J.F. (2015). Inside The FDIC. thirty Years of Bank Failures. Bailouts, And Regulatory Battles. USA: Wiley.
34. Xuan, V.O. (2018). Bank lending behavior in emerging markets. Journal of finance Research Letters. 61: 1-14. DOI: 10.1016/j.frl.2018.02.011.
35. Banking Crises: A Review First published online as a Review in Advance on June 2, 2011 <https://doi.org/10.1146/annurev-financial-102710-144816>